

درد سر کسبه کاران در هرات؛

بانک‌های پول خرد را به علت فرسوده‌گی نمی‌گیرند



افزایش پول مندرس در بازارهای هرات و به دنبال آن حذف بانک‌نوت ۱۰ و ۲۰ افغانیگی از معاملات روزانه، نگرانی شهروندان به‌خصوص کسبه کاران در هرات را برانگیخته است. کسبه کاران در هرات می‌گویند که حذف اسعار ۱۰ و ۲۰ افغانیگی از معاملات روزانه سبب کندی کاروبار آن‌ها شده و چرخه معاملات‌شان را متوقف کرده است. آنان می‌گویند که در معاملات روزانه از مشتریان خود پول خرد گرفته‌اند، اما صرافان و بانک‌ها از آنان این پول را نمی‌گیرند...

۵

عوارض جانبی خبررسانی؛

چگونه داعش از رسانه‌ها سود تبلیغاتی می‌برد؟

۶

جسد یک پهلوان و برنده مدال طلا پس از ۱۰ روز در بغلان پیدا شد



صبح، بغلان: منابع محلی در ولایت بغلان می‌گویند که یک ورزشکار رشته کوراش در این ولایت، از سوی تفنگ‌داران ناشناس کشته شده است. جسد این ورزشکار که آزادالحق نام داشت، روز پنج‌شنبه، ۱۸ جوزا، از مربوطات حوزه دوم شهر پلخمری یافت شده است. آزادالحق که عضویت تیم ملی کوراش کشور را نیز داشت، ۱۰ روز پیش از ساحه سرک پنجم فابریکه قند بغلان ربوده شد.

این ورزشکار در بخش جودو نیز مدال طلا داشت و از پهلوانان مشهور بغلان بود. تا هنوز انگیزه این رویداد روشن نشده است. هیچ فرد یا گروهی مسوولیت قتل وی را برعهده نگرفته است. مسوولان امنیتی طالبان نیز تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که پس تسلط دوباره طالبان بر کشور شمار رویدادهای جنایی و قتل‌های هدفمند افزایش یافته است. روز گذشته هم جسد‌های دوزن در فاریاب پیدا شدند.

سراج‌الدین حقانی می‌خواهد ملاهبت‌الله را خلع قدرت کند تا ملا یعقوب رهبر شود

در گزارش همچنان نگاهشده شده است که علمای اطراف هبت‌الله آخوندزاده به او توصیه کردند که به نظریات دیگران گوش دهد؛ ولی او در واکنش تصمیم به برکناری سراج‌الدین حقانی از سمت وزارت داخله طالبان، ملا یعقوب از سمت وزارت دفاع این گروه و فضل محمد مظلوم، معاون ملا یعقوب گرفت و اما به دلیل چالش اقتدار ملاهبت‌الله، این برکناری‌ها عملی نشد.

شورای امنیت افزوده است که به‌رغم اختلاف‌ها، انسجام طالبان تا یک یا دو سال آینده حفظ خواهد شد.

این در حالی است که پیش از این نیز همواره گزارش‌هایی از موجودیت اختلاف در میان سران طالبان گزارش شده است.

طالبان تا کنون در مورد این گزارش شورای امنیت ابراز نظر نکرده‌اند.

گفتنی است که کمیته تعزیرات شورای امنیت سازمان ملل متحد در گزارش تازه خود نوشته است که طالبان به سیاست‌های مستبدانه پشتون‌محور دهه ۹۰ بازگشته‌اند.



سخنرانی سراج‌الدین حقانی در ولایت خوست آغاز شد؛ آن‌جا که وی از انحصار قدرت در رژیم این گروه با لحن نسبتاً تند انتقاد کرد.

طالبان مستقر در کابل بتوانند تأثیر اساسی بر روند سیاست‌ها بگذارند. به گفته شورای امنیت، اختلاف‌های طالبان از

صبح، کابل: شورای امنیت سازمان ملل می‌گوید که سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت امور داخله طالبان تلاش می‌کند تا برای ملایعقوب، سرپرست وزارت دفاع این گروه حمایت بیشتر میان طالبان کسب کند تا او جایگزین ملاهبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان شود.

گزارش جدید شورای امنیت سازمان ملل متحد به موجب قطع‌نامه ۱۹۸۸ (۲۰۱۱) به تاریخ ۱ جون سال روان میلادی تهیه و به‌تازگی روز شنبه، ۲۰ جوزا، نشر شده است.

بربنیاد این گزارش، حقانی تلاش کرده است که مشروعیت دینی ملاهبت‌الله را تضعیف و شورای علمای طالبان را متقاعد کند که او مناسب رهبری این گروه نیست.

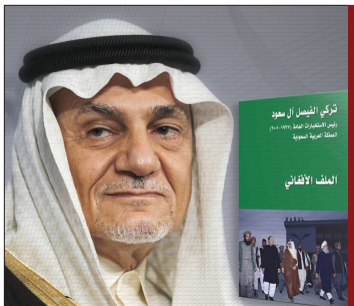
در این گزارش تذکر داده شده است که حقانی به جای احراز کرسی رهبری طالبان، ترجیح می‌دهد که نقش «پادشاه‌ساز» را ایفا کند.

در گزارش نوشته شده است: «برخی اختلاف‌ها در میان رهبری طالبان آشکار است، با آن هم طالبان حفظ وحدت و اقتدار رهبر طالبان را در اولویت خود قرار داده که در حال تحکیم بیشتر است.»

گزارش پیش‌بینی کرده است که حفظ انسجام درونی طالبان احتمالاً در یک تا دو سال آینده حفظ خواهد شد و هیچ نشانه‌ای دیده نمی‌شود که سایر مقام‌های

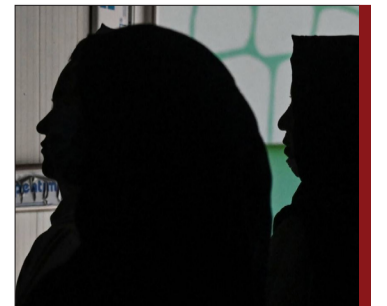
۷ صفحه

پرونده افغانستان؛ یادداشت‌های ترکی الفیصل (۱)



۵ صفحه

دردهای پنهان زنان پنجشیری؛ وطن آزاد می‌شود و ما به خانه‌های مان برمی‌گردیم





افراط‌گرایی دینی در شمال افغانستان

در این روزها گزارش‌های نگران‌کننده‌ای از شمال کشور درباره افزایش بی‌پیشینه افراطیت دینی به رسانه‌ها می‌رسد. شمار کسانی که از مردمان بومی این مناطق به طالبان، داعش، القاعده، انصارالله و سایر گروه‌های تروریست پیوسته‌اند، در سالیان اخیر به صورت چشم‌گیری رو به افزایش بوده است. افزایش افراطیت در این بخش از افغانستان، موجب نگرانی‌های مضاعف شده است؛ زیرا از یک سو احتمال درگیری و جنگ‌های داخلی میان ساکنان این مناطق را بالا می‌برد و احتمالاً جنگ‌های خونینی در راه خواهد بود و از دیگر سو زمینه انتقال خشونت به آن سوی مرزها و ناامن‌سازی آسیای میانه را در پی خواهد داشت و افغانستان میدان جنگ‌های نیابتی بیشتری خواهد شد.

گسترش افراطیت در جنوب افغانستان از گذشته مورد بحث بود و به عوامل متعددی ارجاع داده می‌شد، مانند همجواری با پاکستان، فراهم نبودن زمینه‌های آموزش عصری، بافت قبیله‌ای برخی مناطق با سطره نیروهای سنتی، کمبود کتاب‌ها و تولیدات فکری مدرن در زبان پشتو و عواملی مانند این. این قضیه در مورد شمال افغانستان تا حدی متفاوت بود؛ زیرا تصور می‌شد یا توقع می‌رفت که وجود مواد فکری کافی در زبان فارسی در زمینه‌های فلسفه، ادبیات، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ، دین‌شناسی، سیاست و سایر دانش‌های معتبر، علاوه بر دوری از پاکستان و تفاوت بافت اجتماعی، بتواند مانعی جدی در برابر اندیشه‌های افراطی شود. اما آن چه در عمل دیده شد، خلاف این بود و هر چه زمان گذشت، بر حجم و شمار عناصر افراطی و تروریست در این منطقه افزوده شد.

در گذشته، در دوران جمهوریت برخی حلقات حکومت پیشین متهم می‌شدند که به صورت برنامه‌ریزی شده از رشد افراطیت در این مناطق حمایت می‌کنند. تشخیص حقیقت از شایعه در بازار گرم شایعه‌پسندی در افغانستان کار دشواری بود، به‌ویژه از این حیث که چهره‌های قدرتمندی از شمال کشور در مناصب مختلف نظام پیشین حضور داشتند، از معاونت ریاست جمهوری تا ریاست پارلمان، تا وزارت‌های دفاع، ریاست استخبارات و مانند این‌ها. بعید به نظر می‌رسید که کاری سیستماتیک در این زمینه شده باشد و هیچ‌یک از این چهره‌ها و دستگاه‌های زیر فرمان‌شان اطلاع نیافته باشد. به این جهت، برجسته ساختن آن موضوع می‌توانست توجیهی برای کوتاهی‌ها و ناکامی‌های مسوولان باشد تا خود را از آن چه در شمال می‌گذرد، تبرئه کنند.

در واقع گسترش افراط‌گرایی عوامل پیچیده‌تری دارد. یکی از عوامل جدی این پدیده، گسستی بود که نیروهای سیاسی چپ و احزاب جهادی کلاسیک با بدنه جامعه پیدا کردند. همچنان شکاف طبقاتی و شرایط نابه‌سامان اقتصادی برای بخش‌هایی از جامعه و عقده محرومیتی که در پی داشت، فرصت دیگری برای گروه‌های افراطی ایجاد کرد. افزون بر این‌ها، رشد خزنده افراطیت در این منطقه از چندین دهه قبل آغاز یافت و در قالب مدرسه‌سازی و شبکه‌سازی نیروهای بنیادگرا ادامه پیدا کرد. این‌ها به اضافه عواملی مانند خلأ عرصه از گفت‌وگوهای جای‌گزین که توانایی به چالش کشیدن گفتمان افراطی را داشته باشند، دست به دست هم داده و شمال کشور را به جولان‌گاه جدید گروه‌های تروریستی تبدیل کرد. ظاهراً هر چه زمان می‌گذرد، این منطقه در این باتلاق بیشتر فرو می‌رود. این البته به معنای ناممکن بودن مقاومت در برابر این وضعیت نیست، بلکه هر تلاش فکری و فرهنگی در کنار سایر فعالیت‌ها می‌تواند معادله را تغییر دهد، به شرطی که اراده‌ای برای مبارزه شکل بگیرد.

شورای مقاومت: جابه‌جایی نیروهای تی‌تی‌پی در شمال تبدیل کردن آن به «لانه تروریستان» است



۸ صبح، کابل: شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان در واکنش به جابه‌جایی اعضای تحریک طالبان پاکستانی (تی‌تی‌پی) در شمال کشور توسط طالبان می‌گوید جابه‌جایی این نیروهای تحت نام مهاجران در شمال کشور، معامله استراتژیک میان طالبان و پاکستان است.

شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان روز شنبه، ۲۰ جوزا، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که این اقدام طالبان در حقیقت تبدیل کردن شمال کشور به «لانه امن تروریستان» و از جانب دیگر تغییر دموگرافی این سمت کشور است.

این شورا از خطر گسترش «تروریسم و افراط‌گرایی» در افغانستان هشدار داده و افزوده است مه این خطر عمیق‌تر می‌شود.

شورای مقاومت علاوه کرده است: «جابه‌جایی‌سازی‌هایی پیش از این نیز در شمال افغانستان برای تطبیق اهداف شوم، تغییر دموگرافی، و غضب جایداد و خانه‌های مردم بومی صورت گرفته بود که جز فرجه کردن تنش، تداوم خشونت و خون‌ریزی حاصل دیگری نداشت.»

شورای امنیت سازمان ملل: طالبان به

سیاست‌های مستبدانه پشتون‌محورشان برگشته‌اند «لانه تروریستان» است



۸ صبح، کابل: کمیته تعزیرات شورای امنیت سازمان ملل متحد در گزارش تازه نوشته است که طالبان به سیاست‌های مستبدانه پشتون‌محور دهه ۹۰ بازگشته‌اند.

در گزارش تیم تحریم و نظارت کمیته تعزیرات شورای امنیت که بخشی از آن را نصیر احمد فایق، سرپرست نماینده‌گی افغانستان در سازمان ملل، روز شنبه، ۲۰ جوزا، توییت کرده آمده است که پالیسی اداره طالبان بیشتر براساس سیاست حذف و سرکوب مخالفان‌شان است.

براساس این گزارش، طالبان بر سر تقسیم قدرت در سطح مرکز و ولایات دچار اختلافات شدید هستند و رهبران طالبان مقیم کابل نیز در تصمیم‌گیری‌های بزرگ نقشی ندارند.

برپایه اطلاعات این گزارش، گماشتن تنها ۹ تا ۵ وزیر در کابینه طالبان از قوم پشتون دلالت بر سیاست پشتون‌محوری این گروه می‌کند.

در گزارش کمیته تعزیرات شورای امنیت همچنان آمده است که طالبان به توافق‌نامه دوحه در خصوص

کمیسیون حقوق بشر: اعمال محدودیت در زمینه آموزش کودکان خلاف موازین حقوق بشر است

۸ صبح، کابل: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در واکنش به اعمال محدودیت‌های بیشتر از سوی طالبان در پیوند به حق آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان در افغانستان گفته که این محدودیت‌ها خلاف موازین حقوق بشر است و این گروه باید از این‌گونه رویکردهای «ضدمنتقی و ظالمانه» دست بردارد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان روز شنبه، ۲۰ جوزا، با نشر اعلامیه‌ای از جامعه جهانی، به‌ویژه دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی تأثیرگذار خواسته است تا با روش‌های کارساز، طالبان را مجبور به بازنگری در مورد احکام و رویکردهای ضد حقوق بشری‌شان کنند.

این نهاد افزوده است: «طالبان با این تصمیم پرسش‌برانگیز، روان جامعه ما را بیشتر از پیش زخمی ساخته و نهادهای بین‌المللی را در وضعیت دشوار قرار داده است.»

این کمیسیون از تمامی نهادهای حقوق بشری نیز خواسته است تا برای تامین حقوق شهروندان، به‌ویژه در زمینه حقوق زنان و کودکان کشور، به دادخواهی‌های خسته‌گی‌ناپذیر خود ادامه داده و در برابر «احکام و رویکردهای ضد حقوق بشری طالبان»، عقب‌نشینند.

این در حالی است که روز چهارشنبه، ۱۷ جوزا، گزارش‌هایی مبنی بر این‌که طالبان فعالیت تمام موسسه‌های بین‌المللی در زمینه آموزش را به استثنای یونیسف در کشور منع کرده‌اند، نشر شد.

پس از نشر گزارش‌ها در مورد منع فعالیت آموزشی موسسات بین‌المللی در شماری از ولایات، استیفن دوجاریک، سخنگوی سازمان ملل متحد گفته است که این تصمیم می‌تواند برای مردم افغانستان، به‌ویژه زنان زبان‌بار باشد.



موسسات خارجی در فراه و غزنی به بیش از یک هزار خانواده بیل و کلنگ کمک کردند

۸ صبح، غزنی: مسوولان محلی طالبان در ولایت‌های فراه و غزنی از توزیع تخم‌های اصلاح شده بذری و لوازم زراعتی برای یک هزار و ۱۱۶ خانواده نیازمند در این ولایت‌ها خبر داده‌اند.

ریاست زراعت، آبیاری و مالداري طالبان در غزنی، با نشر خبرنامه‌ای گفته است که کمیته ناروی روز جمعه، ۱۹ جوزا، برای ۵۵۸ خانواده نیازمند و بی‌سرپرست در ولسوالی واعظ این ولایت، تخم‌های اصلاح شده بذری، سبزیجات و لوازم زراعتی توزیع کرده است.

همچنان ریاست زراعت، آبیاری و مالداري طالبان در فراه گفته است که برای ۵۵۸ فامیل نیازمند در ولسوالی پشت‌رود این ولایت از سوی موسسه امداد و انکشاف سریع (ORD)، وسایل زراعتی و تخم‌های اصلاح شده بذری کمک شده است.

وسایل کمک شده شامل کراچی دستی، منگال، چهارشاخ، دسته بیل، آب‌پاش، کلنگ، آفتابه و سایر لوازم زراعتی بوده است.

طالبان رابطه خود با ۲۰ گروه تروریستی را حفظ کرده‌اند



امین کاوه

شورای امنیت سازمان ملل متحد چهاردهمین گزارش تحلیلی خود در مورد افغانستان را منتشر کرد. تیم تحریم و نظارت کمیته تعزیرات این شورا گفته است که طالبان روابط خود با شبکه

القاعده، تحریک طالبان پاکستانی و سایر گروه‌های تروریستی منطقه‌ای را حفظ کرده‌اند. براساس این گزارش، خطر تروریسم در افغانستان و منطقه در حال افزایش است و این گروه‌ها از آزادی بیشتر برخوردار شده‌اند. همچنان گفته شده که داعش بین چهار تا شش هزار جنگ‌جو در افغانستان دارد. افزون بر این، در گزارش آمده است که رهبران ارشد القاعده در افغانستان به سر می‌برند. شورای امنیت سازمان ملل تصریح کرده که طالبان به سیاست‌های مستبدانه پشتون‌محور دهه ۹۰ بازگشته‌اند. این شورا از اختلاف‌های آشکار اعضای رهبری طالبان پرده برداشته، اما تصریح کرده که این گروه به اقتدار رهبرانشان برای حفظ وحدت اولویت می‌دهند. بربنیاد این گزارش، چشم‌انداز برای تغییر طالبان در کوتاه‌مدت و میان‌مدت وجود ندارد. این در حالی است که به گفته شورای امنیت سازمان ملل متحد، در کنار عملی نشدن توافق‌نامه دوحه، قدرت در قندهار متمرکز شده است و اعضای کابل‌نشین طالبان بر تصمیم‌های رهبرانشان در قندهار تأثیرگذاری ندارند.

تیم تحریم و نظارت شورای امنیت سازمان ملل متحد چهاردهمین گزارش تحلیلی خود را از وضعیت افغانستان، جمعه‌شب، ۱۹ جوزا، منتشر کرد. این گزارش به امضای هرنان پز لوس، رییس کمیته شورای امنیت سازمان ملل و قطع‌نامه ۱۹۸۸ (۲۰۱۱) در اول جون سال جاری میلادی تهیه و به‌تازگی منتشر شده است. این گزارش ۲۷ صفحه‌ای به روابط طالبان با القاعده، تحریک طالبان پاکستانی و سایر گروه‌های تروریستی منطقه‌ای، آزادی عمل جنگ‌جویان خارجی در افغانستان، اختلاف‌های میان‌گروهی و انحصارطلبی ملا هبت‌الله آخوندزاده، دست‌داشتن اعضای طالبان در کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر و تشدید و پیچیده شدن حمله‌های داعش، پرداخته است.

تیم تحریم و نظارت شورای امنیت در این گزارش از روابط طالبان با القاعده، تحریک طالبان پاکستانی و سایر گروه‌های تروریستی، پرده برداشته است. بربنیاد گزارش تازه شورای امنیت، در حالی که طالبان اصرار دارند هیچ گروه تروریستی خارجی در افغانستان حضور ندارد، اما کشورهای عضو تقریباً ۲۰ گروه را گزارش کرده‌اند که از آزادی رفت‌وآمد تحت حاکمیت طالبان برخوردارند.

طبق گزارش، نشانه‌هایی وجود دارد که القاعده در حال بازسازی توانایی عملیاتی خویش است. در این گزارش آمده که نگرانی کشورهای همسایه با کشتن ایمن الظواهری، رهبر پیشین شبکه القاعده، کمتر نشده است و طالبان روابط سنتی خود با القاعده را حفظ می‌کنند. بربنیاد این گزارش، قتل ایمن الظواهری در ۳ جولای ۲۰۲۲ در کابل باعث ایجاد بی‌اعتمادی میان برخی از رهبران طالبان شده است. شورای امنیت

سازمان ملل نوشته که روابط طالبان با القاعده، مانع اتحاد و سبب تفرقه در میان اعضای رهبری این گروه شده است. همچنان استدلال شده که با کشته شدن ظواهری، برخی از مقام‌های طالبان تصور کردند که آنان درباره حضور او در افغانستان «فریب» خورده‌اند. طبق گزارش، شماری دیگر از مقام‌های طالبان معتقدند که حلقاتی از این گروه، وظواهری را در جهت تأمین منافع خارجی، «تسلیم» و به او خیانت کرده‌اند. با این حال، در گزارش تذکر رفته که سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت داخله این گروه، ادعا کرده که ملا هبت‌الله آخوندزاده از این موضوع آگاه بوده است. از سوی دیگر شماری از جنگ‌جویان خارجی ابراز نگرانی کرده‌اند که طالبان وقتی ظواهری را می‌توانند بفروشند، آن‌ها نیز مورد خیانت این گروه قرار خواهند گرفت.

شورای امنیت سازمان ملل در این گزارش گفته است: «رهبر کنونی القاعده، سیف‌العدل، از پایگاه خود در جمهوری اسلامی ایران، در نوامبر ۲۰۲۲ به افغانستان سفر کرده است. یکی از کشورهای عضو [شورای امنیت] معتقد است که او در آن‌جا [افغانستان] حضور دارد. دو هزار تن از اعضای خانواده شبکه القاعده، در افغانستان حضور دارند. این گروه در بادغیس، هلمند، ننگرهار، نورستان و زابل، پایگاه‌های آموزشی دارند. از ۲۰ تا ۲۵ جنگ‌جوی خارجی عرب به کتر و نورستان، جایی که یک اردوگاه این شبکه است، زنده‌گی می‌کنند و شماری با اسناد هویتی افغانستان در شهرها، نقش مشورتی را با طالبان ایفا می‌کنند.»

در این گزارش آمده که اکثر گروه‌های تروریستی منطقه، از جمله جنبش اسلامی اوزبیکستان (IMU)، جنبش اسلامی ترکستان شرقی (ETIM) و جماعت انصارالله تاجیکستان، از حمایت طالبان برخوردارند و این گروه همزمان با چندین سازمان تروریستی، ارتباط دارد. براساس این گزارش، جنبش اسلامی ترکستان شرقی، بین ۳۰۰ تا یک هزار و ۲۰۰ جنگ‌جو دارد. در گزارش گفته شده که برخی از کشورهای منطقه گزارش داده‌اند که این جنبش در سال ۲۰۲۲، به سلاح و ایجاد پایگاه‌های جدید دست‌یافته و طالبان به اعضای این گروه، پاسپورت و تذکره افغانستان داده‌اند.

تیم تحریم و نظارت شورای امنیت سازمان ملل افزوده است که تحریک طالبان پاکستان در افغانستان بین چهار تا شش هزار جنگ‌جو دارد که عمدتاً در

ولایت‌های شرقی ننگرهار، کتر، لوگر، پکتیکا، پکتیا و خوست حضور دارند. افزون بر این گروه، چندین شاخه انشعایی تحریک طالبان پاکستان در صدد این هستند تا قلمروشان را گسترش بدهند؛ چون آن‌ها با سلطه طالبان در افغانستان جسورتر شده‌اند. براساس گزارش شورای امنیت سازمان ملل، تحریک طالبان پاکستانی با حمایت طالبان، حمله‌های خود را در پاکستان انجام می‌دهند.

همچنان شورای امنیت سازمان ملل در این گزارش گفته که از اوج قدرت داعش در افغانستان طی سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ کاسته شده، اما این گروه توانسته امنیت طالبان را با اقدام‌های متعدد تضعیف کند. طبق گزارش، بسته شدن برخی از نهادهای دیپلماتیک، حمله بر سفارت پاکستان و عدم سرمایه‌گذاری در سطح کلان، از نشانه‌های قدرت‌گیری داعش در افغانستان است. تیم تحریم و نظارت این شورا، همچنان افزوده که سرمایه‌گذاران بزرگ‌تری که قراردادهایی را امضا کرده، به دلیل نگرانی‌ها، هنوز به‌طور کامل سرمایه‌گذاری نکرده‌اند.

شورای امنیت سازمان ملل، داعش را جدی‌ترین تهدید تروریستی فعلی در افغانستان ارزیابی کرده است. طبق گزارش، در طول سال گذشته، این گروه از افزایش قابلیت‌های عملیاتی و آزادی حرکت بهره‌مند شده است. شورای امنیت نگاشته که داعش در داخل افغانستان به دنبال تشدید حملات بوده، به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۲۲ مسولیت بیش از ۱۹۰ حمله انتحاری را برعهده گرفته است. شورای امنیت سازمان ملل در این گزارش خود شمار جنگ‌جویان داعش را بین چهار تا شش هزار تخمین زده است. به گفته این شورا، داعش منابع مالی خویش را در افغانستان از طریق قاچاق مواد مخدر، مالیات بر جابه‌جایی مواد مخدر، آدم‌ربایی برای باج‌گیری، قاچاق مواد معدنی، اخاذی از باشندگان محل و شرکت‌های تجاری و حمل‌ونقل، تأمین می‌کند.

در این گزارش گفته شده که قضاوت در مورد دستور طالبان مبنی بر مبارزه با قاچاق، کشت و تولید مواد مخدر از سوی طالبان خیلی زود است؛ زیرا قیمت و تولید مواد مخدر افزایش یافته است، طالبان از «مناقصات» سود زیاد به دست می‌آورند و اعضای این گروه نیز در قاچاق مواد مخدر دست دارند. طبق گزارش شورای امنیت، تحریم‌ها تأثیری بر تصمیم‌گیری‌های ملا هبت‌الله آخوندزاده ندارد و از سوی دیگر کشورهایی که با طالبان تعامل دارند، خواستار لغو تحریم‌ها هستند. افزون بر این، در گزارش گفته شده که موجودیت گسترده سلاح و تعبیه آن در افغانستان، تحریم‌های تسلیحاتی را تضعیف ساخته

است.

افزون بر این، تیم تحریم و نظارت شورای امنیت در این گزارش، فرمان اخیر منع اشتغال زنان در سازمان ملل را مغایر با اصول مندرج در منشور این سازمان دانسته است. در گزارش گفته شده که این فرمان یک هفته بعد از درخواست مجدد امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان از شورای امنیت مبنی بر واگذاری کرسی نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل به طالبان، صادر شده است.

شورای امنیت در مورد اختلاف‌های میان‌گروهی طالبان نوشته است: «اگرچه طالبان منسجم باقی مانده‌اند، اما وجود اختلافات در درون طالبان پیش‌شرط‌هایی را برای تضعیف این گروه ایجاد کرده است. تنش مداوم میان جناح‌های مختلف برای قدرت، اوضاع را بی‌ثبات‌تر می‌کند، تا جایی که تنش مسلحانه در آن رخ می‌دهد. درگیری بین جناح‌های رقیب یک خطر آشکار است. احتمالاً وحدت حاکم خواهد شد. برخی پیش‌بینی می‌کنند که این اتحاد حداقل ۱۲ تا ۲۴ ماه دوام خواهد کرد.»

در کنار سایر موارد، در این گزارش به ساختار رژیم طالبان نیز پرداخته شده است. در گزارش گفته شده که ساختارهای حکومتی رژیم طالبان در اشکال مختلف به‌شدت پشتون‌محور و سرکوب‌کننده است. شورای امنیت سازمان ملل نگاشته که در کابینه طالبان پنج وزیر غیرپشتون حضور دارند و نیز از ۳۴ ولایت این کشور، ۲۵ والی آن پشتون‌ها هستند. همچنان در گزارش تأکید شده که در زمان نگارش آن حداقل ۵۸ مورد مستند شده که طالبان مانند دهه ۱۹۹۰ مرکز قدرت را از کابل به قندهار تغییر داده‌اند. تیم تحریم و نظارت شورای امنیت خاطرنشان کرده است که طالبان همان طالبان دهه ۱۹۹۰ میلادی‌اند و خاصیت شورشی‌گری خویش را حفظ کرده‌اند. براساس این گزارش، ذهنیت طالبان، متعهد به یک «الاهیات سیاسی غیرقابل تغییر» استوار است و تعداد کمی از آن‌ها از ابزارهای مدرن رسانه‌ای چون توئیتر استفاده می‌کنند.

در ادامه گزارش، تیم تحریم و نظارت شورای امنیت سازمان ملل تصریح کرده که ملا هبت‌الله آخوندزاده ضمن منزوی بودن در خود و گوشه‌گیری، قاطع‌تر شده و کنترل و اقتدارش را افزایش داده است. بربنیاد این گزارش، او افراد وفادار به خودش را در قدرت از حلقه نزدیک روحانیون در قندهار انتخاب می‌کند و با اتخاذ تصمیم‌های یک‌جانبه، نقش خود را به‌عنوان «امیر» افزایش می‌دهد. در گزارش شورای امنیت آمده است که رهبر طالبان در این اواخر، واحدهای ویژه انتحاری این گروه را به قندهار منتقل کرده است. در گزارش به نقل از یک منبع محلی گفته شده که رهبر طالبان، از دو دوره ابتلا به کرونا جان سالم به در برده، اما سیستم تنفسی وی ضعیف شده است.

در این گزارش آمده است که سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت داخله طالبان، تلاش دارد ملا یعقوب مجاهد، سرپرست وزارت دفاع این گروه، به جای ملا هبت‌الله آخوندزاده گماشته شود. بربنیاد این گزارش، حقانی سعی کرده مشروعیت دینی ملا هبت‌الله را تضعیف سازد و شورای علمای این گروه را متقاعد کند که آخوندزاده رهبر «مناسب» نیست. با این حال، «علمای» اطراف هبت‌الله آخوندزاده به او مشورت داده‌اند که نظریات سایر اعضای این گروه را احترام بگذارد. هبت‌الله اما تصمیم به برکناری سراج‌الدین حقانی و ملا یعقوب گرفته است. بربنیاد گزارش، این تصمیم رهبر طالبان به دلیل «چالش اقتدار» ملا هبت‌الله عملی نشده است.

این در حالی است که پیش از این منابع به روزنامه ۸ صبح نیز از تلاش ملا هبت‌الله برای برکناری این دو مقام طالبان پرده برداشته بودند. به گفته این منابع، ملا حسن آخوند و شماری از چهره‌های دیگر رهبری این گروه، این تصمیم هبت‌الله را برای انسجام وحدت میان‌گروهی عملی نکرده‌اند.

چهاردهمین گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد در حالی از افزایش فعالیت‌های تروریستی و پیچیده‌گی عملیات‌های داعش در افغانستان سخن می‌زند که پیش از این ایالات متحده، روسیه، تاجیکستان و شماری از کشورهای دیگر بارها از تبدیل شدن افغانستان به پناه‌گاه امن هراس‌افکنی هشدار داده‌اند. در تازه‌ترین مورد، وزیر خارجه روسیه ادعا کرده که شمال افغانستان به «لاته تروریستان» بدل شده است.



ستیز با آموزش غیرمدرسه‌ای برخاسته از ایدئولوژی طالبان است

بعد از ملاهبت‌الله و عبدالحکیم حقانی، شخص سومی که در این حلقه از نفوذ قابل توجه برخوردار است و در تصامیم شورای رهبری، محکم علیه آموزش دختران موضع می‌گیرد، شیخ نورمحمد ثاقب وزیر حج و اوقاف گروه طالبان، است. ثاقب که شش سال جوان‌تر از حکیم حقانی است، مثل او از دور نخست امارت طالبان در مقام‌های مهم کار کرده، کتاب‌های بسیار نوشته و تعداد زیادی از فرماندانیان و متنفذان طالب زمانی شاگردش بوده‌اند. او متولد تاشقرغان است، اما کودکی‌اش را در مدارس شهر کابل و ولسوالی‌های آن گذرانده است. براساس زنده‌گی‌نامه‌ای که از او در وب‌سایت وزارت حج و اوقاف نشر شده، شیخ ثاقب در آخرین سال حکومت داوود خان، زمانی که تازه ۱۴ سال سن داشت، برای درس به پاکستان رفته و آن جا سال‌ها در مدارس مختلف از جمله مدرسه حقانیه اکوره ختک آموزش دیده است. او مدعی خلافت در هر چهار طریقه نقشبندیه، چشتیه، قادریه و سهروردیه است. در زنده‌گی‌نامه مفصلش او کوشیده است از خود آدم تیورسین، تعلیم‌یافته و بسیار مستعد ترسیم کند. از جمله جایی یادآوری کرده است که درس‌های دوره کلان مدرسه را در ۲۱ سالگی تمام کرده و در سال ۱۹۹۹، کمیسیون تثبیت سویه طالبان به او درجه دکترا داده است. او فهرست ۱۶ عنوان کتاب را در پایان زنده‌گی‌نامه‌اش افزوده و گفته است که کتاب‌هایش در مدارس و میان طالبان بسیار پرخواننده است و تعدادی کمیاب شده و علاقه‌مندان آن‌ها را فوتوکاپی و تکثیر می‌کنند. گذشته از ادعاهای خودش، نام نورمحمد ثاقب در گزارش‌ها چون فرد محافظه‌کار، تاثیرگذار در شورای رهبری طالبان و نزدیک به ملاهبت‌الله یاد می‌شود. حسن عباس در کتاب «برگشت طالبان» او را فرد تندرو و دارای افکار تکفیری معرفی کرده است. آقای عباس نوشته است: «نورمحمد ثاقب عضو پرنفوذ و شدیداً محافظه‌کار کابینه طالبان است. او از طالبان ممتاز دارالعلوم حقانیه و در دور اول امارت طالبان قاضی القضاات آن گروه بوده است. او چندین فتوای ضد شیعه صادر کرده است که منجر به جنایاتی علیه مردم هزاره و شیعه در افغانستان و پاکستان شده است.» از سخنان آقای عباس و نیز زنده‌گی‌نامه خودنوشته مولوی ثاقب بر می‌آید که او در میان تندروان و تکفیری‌های پاکستان نیز نفوذ دارد. آقای عباس نوشته است که یکی از همکاران سابق شیخ ثاقب در مصاحبه‌ای گفته که او حتا با توجه به معیارهای مدرسه حقانیه نیز شخص تندرو است و مسوولان آن مدرسه به او هشدار داده‌اند که رویکرد تکفیری‌اش را مهار کند. حسن عباس در آخر نام نورمحمد ثاقب، لقب حقانیه را هم نوشته است. اما خود ثاقب در زنده‌گی‌نامه‌اش آن لقب را ذکر نکرده و خود را «محترم شیخ‌الحديث قضاوت‌پوه دکتور نورمحمد ثاقب» خوانده است. به نظر می‌رسد که او نیز مثل برخی از رهبران طالبان تلاش دارد با توجه به مقتضیات زمان از خود تصویر متفاوتی عرضه کند و تمایلات تکفیری‌اش را برجسته نسازد. از جمله در جایی از زنده‌گی‌نامه‌اش از سفرهای خارجی یاد کرده و گفته است به هنگری (مجارستان)، قطر، امارات متحده عربی، عربستان سعودی و پاکستان سفر کرده است. تاکیدش بر سفر هنگری جالب است. او نوشته است که در آن سفر با نماینده‌گان کشورهای هالند، جرمنی، ایتالیا، اتریش، بلژیک، افریقای جنوبی، مصر، ایران، هندوستان و غیره به‌طور جداگانه ملاقات و گفت‌وگوی مفصل کرده است.

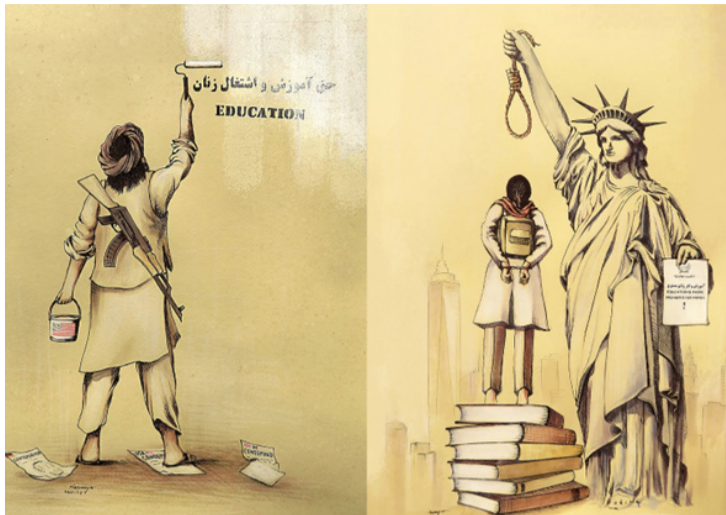
او که به قول حسن عباس خون افراد بسیاری را در پاکستان و افغانستان به‌خاطر فتوای تکفیری‌اش به گردن دارد، هنگام ذکر نام کشورهای خارجی ادبیات تکفیری به کار نبرده و با آن که شیعیان افغانستان و پاکستان را تکفیر کرده، از دولت شیعی ایران بدون دشنام یاد کرده است. آیا او بعد از هشدار مقام‌های مدرسه حقانیه، گذشت عمر و برگشت به چوکی وزارت در شرایط نسبتاً متفاوت، گذشت عمر و برگشت به چوکی وزارت فرد تکفیری قدیم نیست؟

این دوره نامعلوم، موضع ملاهبت‌الله و همراهانش نیست، بلکه «نرمشی» از سوی آنان برای حفظ اتحاد طالبان و تدبیری به‌خاطر برنیانگیختن حامیان شهری و آن عده از طالبانی است که فکر می‌کنند مکتب‌ها با «اصلاحاتی» در نصاب و نظام تعلیمی دوباره گشوده شود. از آن زمان به بعد حلقه‌های محدودیت بر تعلیم/تحصیل و کار زنان تنگ‌تر شده و اکنون دیگر روشن است که امر ثانی تاکتیکی برای فریب اذهان بوده و «امارت» قصد گشودن مکتب‌ها و دانشگاه‌ها را به‌روی دختران ندارد.

عبدالحکیم حقانی در کتابی که پارسال به زبان عربی در مورد نظام «امارتی» نشر کرد، موضع تعلیمی گروه طالبان را شرح داده است. آن کتاب مورد تایید ملاهبت‌الله است و او به تایید نظرات دوست و حامی‌اش، تقریظ نوشته است. حقانی باور دارد که تعلیمات مدرن غیرمذهبی اسلام و مسلمانان را تضعیف کرده و باید طالبان مانع دوام این روند شود. او نظر دارد که وظیفه زنان همسرمداری و تربیت اطفال است و آنان جایی در اداره، بازار و حکومت ندارند. او به صراحت در کتابش نوشته است که زنان نسبت به مردان از نظر ذهنی ضعیف‌ترند و در نتیجه باید از مردان فرمان ببرند و در خفا و دور از انظار عامه مشغول خانه‌داری، تولد فرزند و تربیت کودکان باشند. او فصلی را در کتابش به تعلیم زنان اختصاص داده و در آن ظاهراً مدعی شده است که زنان حق تعلیم دارند، اما برای آن شروط طالبانی گذاشته است. نخست این که به باور عبدالحکیم حقانی، زنان در خانه از سوی اعضای خانواده آموزش داده شوند و برای تعلیم خانه را ترک نکنند. دیگر این که هرگز در کنار مردان آموزش نبینند. شرط سوم این که اگر به هر دلیلی دختران و زنان برای تعلیم خانه را ترک کنند، معلمان و استادان‌شان باید زن باشند. از نظر او آموزش کیمیا و فزیک برای زنان غیرضروری است. در خزان سال ۲۰۲۲، طالبان این دستور را در کانکور نیز اجرا کردند و برخی رشته‌ها را به‌روی زنان بستند از جمله اقتصاد، انجیری، زراعت، زمین‌شناسی و خبرنگاری. ملاهبت‌الله و عبدالحکیم حقانی، با توجه به جایگاه مدرسه‌ای که میان طالبان دارند، در تنظیم چارچوب حقوقی و ایدئولوژی طالبان بر دیگران دست بالا دارند. حکیم حقانی همولایتی ملاهبت‌الله آخوندزاده و از دوستان نزدیک ملاعمر است. او را از بنیان‌گذاران گروه طالبان می‌خوانند و گفته می‌شود، زمانی چشم به رهبری گروه نیز داشته است.



عکس: نورمحمد ثاقب در گذشته «حقانی» تخلص داشته است، اما اکنون در شهرت رسمی‌اش آن عنوان را نمی‌نویسد. او نیز چون حکیم حقانی کتاب می‌نویسد و در مسایل مذهبی، سیاسی و فرهنگی فتوا و نظر می‌دهد. ثاقب در دور اول امارت طالبان مدتی قاضی القضاات بوده و فتوای تکفیری علیه شیعیان صادر کرده است. او در مواضع تکفیری‌اش زمانی چنان افراط کرده بود که مسوولان مدرسه حقانیه پاکستان به او هشدار داده بودند تا تمایلات تکفیری را در خود مهار کند. او نیز در حلقه متنفذان ویژه نزدیک به ملاهبت‌الله است و در مخالفت با آموزش دختران او را حمایت می‌کند.



صمد پاینده

گروگان گرفته‌اند. ازاین‌رو، انتظار دارند با نرمش قدرت‌های غربی و تشویق دوستان منطقه‌ای طالبان، آن گروه حلقه محدودیت‌ها را سست خواهد کرد. در ارتباط به سیاست‌های ضدتعلیمی طالبان چند نظر میان هموطنان مطرح می‌شود. یک، سیاست‌های ضدتعلیمی طالبان انعکاس تنش‌های داخلی آن گروه است. دو، حقوق زنان و تعلیم ابزار چانه‌زنی با جامعه جهانی است. سه، حلقه‌ای در رهبری طالبان باور دارند که زنان نباید تعلیم کنند و تعلیمات غیرمدرسه‌ای باید به‌روی زنان کاملاً بسته شود و آنچه مردان می‌آموزند نیز باید به امور فنی محدود شده و مباحث غیرمدرسه‌ای از علوم اجتماعی زوده شوند. هیچ یکی از این سه نظر را نمی‌توان رد کرد. در درون طالبان نسبت به تعلیم دختران اختلاف وجود دارد و آنان در کشمکش‌های داخلی بر سر تصاحب و تحکیم قدرت جناحی خود از تعلیم و کار زنان استفاده ابزاری می‌کنند. در امتیازگیری از جهان نیز حقوق زنان یک حربه در اختیار طالبان است. کسانی در میان طالبان امیدوارند که با گشایش نسبی فضا برای تعلیم و کار زنان، حمایت‌های بین‌المللی از «امارت» افزایش یابد و حاکمیت‌شان تثبیت شود. اما گره اصلی در اعتقادات طالبان است، و این که افراد بسیار قدرتمندی چون ملاهبت‌الله حضور زنان در اجتماع را غیراسلامی و ضداخلاقی می‌دانند. او تنها نیست و یک حلقه پرنفوذ او را در قندهار و کابل حمایت می‌کند و در درون جامعه و صفوف طالبان نیز این موضع طرفداران سرسخت دارد.



عکس: عبدالحکیم حقانی کاپی‌آشکار ملاهبت‌الله، رهبر غایب طالبان، است. گوش‌های ملاهبت‌الله به شنیدن مواضع مذهبی و فرهنگی به‌شدت محافظه‌کارانه و عقب‌گرای او همیشه باز است. او بر اطرافیان ملاهبت‌الله، شورای رهبری، حلقات میانه و صفوف طالبان نفوذ دارد. حکیم حقانی وظیفه اصلی زنان را خانه‌داری و تربیت کودک در خانه می‌داند. تعلیم علوم معاصر از جمله فزیک، کیمیا، بیولوژی و اقتصاد را برای زنان غیرضروری و آموزش‌های دینی و سواد ابتدایی را در خانه برای آنان کافی می‌خواند.

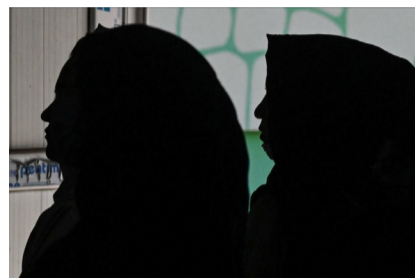
بهار سال گذشته، وقتی دختران لیسه بعد از ماه‌ها انتظار خبر شدند که مکتب‌ها برای زمان نامعلوم، رسماً به‌روی‌شان بسته شده است، اعتراض و نگرانی شدید در سراسر کشور بالا گرفت. در مناطق دورافتاده و روستاها نیز مردم برای حمایت از تعلیم دختران گرد هم آمدند، عکس‌ها و ویدیوهای دسته‌جمعی نشر کرده و خواهان گشودن دروازه‌های مکتب‌ها شدند. براساس گزارش‌ها، قبل از اعلام محدودیت، طالبان نیز پشت درهای بسته جلسات متعدد برگزار کردند و در مورد واکنش‌های احتمالی به گفت‌وگو پرداختند. در آخرین جلسه که در قندهار برگزار شده بود، ملاهبت‌الله و سه تن از همتایان فکری او عبدالحکیم حقانی، قاضی القضاات طالبان، نورمحمد ثاقب، وزیر حج و اوقاف آن گروه و محمد خالد حنفی، وزیر امر به معروف و نهی از منکر طالبان، در آن جلسه به‌شدت علیه بازگشایی مکتب‌ها موضع گرفتند و با توضیحات «شرعی» از ضرورت منع تعلیم دختران دفاع کردند. در نتیجه، مکتب‌ها برای یک دوره نامعلوم بسته ماند.

خبرهای تعلیم دختران به‌تدریج سرد شده و اکنون کم‌تر خشم و هیجان خلق می‌کند. مدتی است که در رسانه‌ها و پلتفرم‌های مجازی صحبت چندانی از میلیون‌ها کودک و نوجوان محروم‌شده از آموزش نمی‌شود. حالا به‌جای اعتراضات جمعی، میز گرد‌ها، تظاهرات و نامه‌های سرگشاده، فریادهای انفرادی و داستان‌های شخصی قربانیان این سیاست ضدبشری طالبان این جا و آن جا در رسانه‌ها نقل می‌شود. خبر می‌رسد که دختری بعد از مدت‌ها خانه‌نشینی و دوری از تعلیم و کار دچار اختلال روانی شده و یا خودکشی کرده است. گاه مثال‌هایی از مقاومت فردی دختران، یافتن راه‌گریز از محدودیت‌های طالبانی و یا گرفتن بورسیه و فرصت تحصیلی در خارج نیز در رسانه‌ها دیده می‌شود. اما حالت اصلی، سکوت است. حساسیت‌ها نسبت به روزها، ماه‌ها و سال‌ها خانه‌نشینی و بی‌تعلیمی دختران کم‌رنگ شده است. دو مرجع اما نسبت به تعلیم دختران پیگیرترند و از فعالیت‌ها و واکنش‌های‌شان پیداست که کوچک‌ترین تحركات مثبت یا منفی را در این زمینه بررسی کرده و واکنش نشان می‌دهند. آن دو مرجع، کدام حزب سیاسی یا حرکت ملی نیست. ده‌ها حزب و صدها سازمان وطنی که نام‌های کلان داشتند، اکنون در انفعال به‌سر می‌برند. آن دو مرجع بیدار در امر تعلیم دختران یکی طالبان و دیگری سازمان‌های بین‌المللی است که در امور تعلیمی پروژه و ماموریت دارند. طالبان در این مدت با ده‌ها فرمان، دستور، حکم و اقدام ضدتعلیمی قدم‌به‌قدم دختران را از تعلیم و تحصیل محروم می‌کنند و محیط آموزش را برای پسران نیز تنگ و آزاردهنده می‌سازند. گاهی از درون آن گروه کسانی می‌گویند که مکتب‌ها و دانشگاه‌ها به‌روی دختران و زنان گشوده خواهند شد، اما هرچه زمان می‌گذرد، فضا تنگ‌تر می‌شود و محدودیت‌های بیشتری بر آموزش وضع می‌گردد. طالبان رویکرد تسخیر تدریجی و گام‌به‌گام عرصه تعلیم و تحصیل را روی دست گرفته و از آن طریق توانسته‌اند حساسیت و واکنش مردم را نیز مدیریت کنند. سازمان‌های ناظر بین‌المللی و انجوه‌های فعال در امور تعلیم و حقوق زنان نیز به دلیل امکانات و تشکیلاتی که در اختیار دارند، تحولات این عرصه‌ها را پی‌گیری کرده و گاه اعلامیه و گزارش نشر می‌کنند. به‌تازگی استیفن دوجاریک، سخنگوی سازمان ملل متحد، گفته است که احتمال دارد طالبان گام هولناک دیگری را علیه مردم افغانستان، به‌ویژه زنان و دختران بردارند و فعالیت‌های آموزشی موسسات بین‌المللی را در برخی از ولایات منع کنند. هدر بار، مسوول بخش زنان دیده‌بان حقوق بشر، نیز در تویییتی گفته است که طالبان احتمالاً آموزش ابتدایی را نیز برای دختران منع خواهند کرد. در گذشته، بارها این‌گونه خبرها در مورد اقدام احتمالی طالبان قبل از اعلام رسمی آن گروه درست ثابت شده است، و چندی بعد دیده‌ایم که آن اتفاق «احتمالی» پیش‌بینی شده از سوی موسسات رخ داده است. اکنون نیز به نظر می‌رسد طالبان در آستانه دوساله‌گی حاکمیت خود ماموریت «امارت» در منع تعلیم و کار زنان را تکمیل خواهند کرد و آن امید که گویا طالبان با معرفی پوشش تازه و تعدیل نصاب، به دختران دوباره اجازه تعلیم و تحصیل خواهند داد، بیهوده ثابت خواهد شد. تا این جا بخشی از مردم به تبلیغاتی که سال‌ها از تغییر طالبان شده بود، فریب خورده و هنوز نمی‌توانند باور کنند که به‌راستی رهبران طالبان بستن مکتب و دانشگاه را اقدام شرعی می‌دانند، بلکه بیشتر تبصره‌ها بر گرد بهره‌برداری سیاسی طالبان از حربه تعلیم و محرومیت زنان می‌چرخد. بسیاری‌ها به این باورند که رهبران طالبان برای کسب امتیاز از خارجیان و به‌دست آوردن مشروعیت، زنان را به

دردهای پنهان زنان پنجشیری؛

وطن آزاد می شود و ما به خانه های مان برمی گردیم

ف. س.



مرا یاد زنان پنجشیر می اندازد؛ زنانی که دل بزرگ و پیشانی باز دارند. زنانی که مثل سرو ایستاده اند، سال ها قربانی دادند، اما به چشم نیامدند. موجودات گم نامی که خاطره جمعی و صفحه های تاریخ فراموش شان کرده است. مادرانی که از جان و فرزندشان هنگام تبدیل شدن پنجشیر به «دره مرگ» مایه گذاشتند. پنجشیر، این بهشت کوچک و زیبا، به اندازه زیبایی هایش درد و اندوه دارد. خاطرات غم بار چند نسل را بردوش می کشد. شب هایش مثل سبزی چمن زار هایش روشن است، انگار لشکری از ستاره گان شبها به آسمان این دره هجوم می برند. با دیدن آسمان پنجشیر آدم فکر می کند که هر ستاره به پاس روح شهیدی که این خاک به آسمان فرستاده، چشمک می زند. بی جهت نیست که سالها پیش با دیدن آسمان پنجشیر، مردی خارجی گفته بود: «به خاطر آسمانش هم که شده مقاومت کنید.»

فرشته و مادرش از دو نسل متفاوت اند؛ اما روزگار برای آن ها سرنوشت مشترک را رقم زده است. هر دو تلخی جنگ و مهاجرت را کشیده و دل از خانه چندین ساله شان کنده اند. دیدن آن ها احساس غرور توام با غم را در من زنده می کند. به رگ های برآمده دستان فرشته و مادرش می بینم، هر دو یک رنج را کشیده اند/ می کشند، مادر دیروز و دخترش امروز. این هر دو نمود اندوهی اند که صخره های پنجشیر فریاد می کشند. به دست های درشت و زخمی فرشته نگاهم می خورد، کومه هایش آبدار می شود. دست هایش را پیش کرده می گوید: «بین، پنجشیر هم مثل دست مه زخم داره.» انگار تصویر «زخم چریک کوه تو، زخم تن من است» پیش چشم هایش است. حرف های فرشته که در خط باریک اندوه و امید می چرخد، شعر «پنجشیر دردمند» محب بارش را به ذهنم تداعی می کند؛ شعری که بارها از گلوئی آزادی طلبان در روزهای سیاه وطن سروده شده است.

فرشته یک سال بیشتر می شود که از پنجشیر کوچ کرده و با مادرش زنده گی می کند. به خانه غریبانه مادر فرشته می روم. در را باز می کنم، در آغوشم می گیرد. سرش دیر روی شانه هایم می ماند، انگار می خواهد سنگینی دلش را اندکی روی شانه های من بگذارد. هق هق فرشته با صدای به هم خوردن شاخچه های درختان یکی می شود. چشم هایش را با روسری فیروزه ای رنگش پاک می کند. نفس عمیقی کشیده، کودک کوچکش را بغل می کند و وارد خانه کاه گلی مادری اش می شوم. چهره اش محزون است، چشمانش گود افتاده و استخوان های صورتش از زیر پوست نمایان است. سالها پیش وقتی در پنجشیر دیده بودمش، انگار همین دیروز بود. لیخنش جان دار و دلش سرزنده بود. لباس های خامک دوزی می پوشید و دستانش همیشه از حنا سرخ می بود. صبحها برای مان قتی می پخت و سر صندوقچه قصه های قدیمی اش را باز می کرد. این یک سال اما از فرشته شور و هیجان سابقش را گرفته است، انگار نای پلک زدن را هم ندارد. فرشته کنار مادرش نشسته است. مادر فرشته وقتی می خندد، گوشه لب هایش پر از قوس می گردد. چشم های تیزبینش را کوچک تر کرده می گوید: «جوانی مان را نفهمیدیم، شب و روزمان در جنگ و مباردمان گذشت. ماهها جز تلخان و آب چیزی به لب

نزدیم، ولی خدا را هزار بار شکر می کردیم که در خاک خود ما هستیم. گله نکردیم. هر قدر از ما به جنگ و جهاد رفت، یک آه نکشیدیم. خدا می فهمید ما حق بودیم و ما هم کمر خم نکردیم.» چند لحظه سکوت می کند، شاید این بار از خدا گله دارد و می پرسد: «من زنده گی نکردم، قربانی شدم؛ اما نسل بعد از من چرا؟» مادر فرشته می گوید که پنجشیر یک دره، کوه و خانه سنگی نیست که کسی ترکش کند و دل دق نکند. می گوید وقتی به ایران مهاجر شده، سنگ سفید پنجشیر را در طاق بلند الماری اش گذاشته بوده است. فرشته مثل من به حرف های مادرش گوش می دهد. در روزهایی که پنجشیر در حرارت خون می جوشید، فرشته نیز مثل مادر از پنجشیر مهاجر شد. او از تمام خانه و کاشانه اش، یک جانماز قالینی و قرآن کریمی را که پوش گل سیب دارد، با خود آورده است. هر دو را روی صفا کلکین گذاشته است. قرآن کریم فرشته هدیه ای است که پدرش هنگام ازدواجش برایش داده بود و مادرش آن را با سلیقه خودش با تکه گل سیب پوش کرده بود.

فرشته از کوه و دره پنجشیر که امروزه در پنجه طالبان گیر مانده، قصه می کند. از آدم هایی می گوید که در مبارزه با ستم و استبداد جان می دهند. از کسانی که جوان مرگ شدند، از کشاورزانی که دیگر سر زمین شان رفته نمی توانند، از زنانی که بیلاقشان مسکن ددخویان شده است و از مردانی که در راه آزادی از سرشان گذشته و کمر مبارزه را بسته اند. فرشته چشم دیده هایش را گل چین می کند. پیاله چایش سرد می شود. دستی به سر فرزند کناری اش می کشد. شانه هایش را همگام با نفسش بالا کشیده آهی می کشد و می گوید: «نیرس، هر چه رنج و آواره گی بود در این مدت کشیده ایم. مادرم همیشه قصه می کرد از وقت های جنگ و مهاجرت، ولی در فکرم هم نمی گذشت که سرنوشت من هم مثل او شود.» فرشته دختر کوه است و هر سال مدتی را با شوق در کوه زنده گی می کرد؛ ولی در روزهایی که جنگ شدید در پنجشیر جریان داشت، دو ماه مجبور به زنده گی در کوه شد. در آن دو ماه، دو وعده غذای ناچیز می خورد.

دل فرشته برای پنجشیر می تپد، برای روزهایی که امنیت و آرامش در آن جا بود. ساکت است و کمتر حرف می زند. سعی می کند رنج هایش را پشت خنده های کش دارش پنهان کند. چشم هایش آبرزده است، مثل سنگی جامد، نه باد تکانش می دهد و نه آفتاب روشنش می سازد. آهسته از جایش بلند شده، روی حویلی کنار درخت آلبالو می رود. قدری نمک به دستش می ریزد و رو به من می گوید: «می بینی؟ زنده گی این چه بی نمک است.» دلش نا آرام است. بعد از هر حرفش، می گوید که این روزها نمی ماند، مثلی که سالها پیش نماند، بالاخره وطن آزاد می شود و دلش هم دل در خانه اش آرام می گیرد. با نشانه تایید سرم را تکانی می دهد و لیخنش می زند. دل من هم غم بار است و مثل پنجشیر، مثل دست های فرشته زخمی و تکه تکه است. به گفته فرشته «این روز به فردا نمی ماند.»

زیبایی طبیعت و باد عصرانه اندکی غم از رخ فرشته کم می سازد. با امید به آزادی وطن، دلش را زنده نگه می دارد. می گوید: «چه روزی باشد که بگویند جنگ تمام شده، مردم ما پیروز شده اند. آن روز می روم پنجشیر، روی یک سنگ کنار دریا ایستاد می شوم و تمام درد دلم را با فریاد زدن بیرون می کشم.» وقتی این حرف را می زند، آن قدر چشم هایش از شوق برق می زند که به دلم می گویم «خدایا به خاطر شوقی که در چشم های این زن برق می زند، وطن را آزاد ساز.» هوا کم کم رو به تاریکی می رود و شعاع کم رنگ آفتاب از روی شاخه های بلند درختان ناپدید می شود. دست های فرشته را می فشارم و می گویم: «تو مثل مادرت قوی هستی. این روزهای سخت می گذرد.» لیخنش می زند و می گوید: «دنیا به امید است.»

درد سر کسبه کاران در هرات؛

بانک های پول خرد را بدهد فرسوده گی نمی گیرند



صبح، هرات

ایوب، یکی کسبه کاران در هرات است که در ساحه اسپین ادی فروشگاه مواد خوراکی دارد. او می گوید که دوباره پول های مندرس درد سر بزرگ برای آنان شده است. به گفته او، از سوی دیگر بانک نوت های ۱۰ و ۲۰ افغانستانی از معاملات در بازارهای هرات حذف شده و درد سر دکان داران را بیشتر کرده است.

خلق می شود. به گفته فهیم، بانکها پول های مندرس و خرد را به شهروندان توزیع می کنند، اما خود از گرفتن آن خودداری می کنند. او می افزاید: «کل همین مشکلات اسعاری از دست همین بانکها صورت می گیرد. پنج ماه می شود که وقتی می روم پول برق خانه را تحویل کنم، با وجودی که پول های نو هم است و حتا چسب زده هم نیست، بر نمی دارند و می گویند که باید پول کلان یعنی ۵۰۰ و یک هزار باشد؛ چون ۱۰ و ۲۰ را بر نمی دارند. بانک پول کلان می گیرد، اما پول میده و کهنه توزیع می کند. برادرم چند روز پیش رفت معاش خود را گرفت، به خدا پول هایی داده که از کهنه گی طرفش دیده نمی شد. وقتی برادرم از کهنه گی پول بلند گپ کرد، کارمند بانک گفت که همه پولها یک رقم است و نمی توانند تازه چاپ بزنند.»

در همین حال، یک تن از کارکنان بانکهای خصوصی در هرات به روزنامه ۸ صبح گفت که به دلیل عدم توزیع پول های تازه چاپ شده و انباشت شدن پول های کهنه نزد آنان، این تصمیم از سوی رهبری بانک به آنان ابلاغ شده است. این کارمند بانک گفت: «پول های میده به خصوص ۱۰ و ۲۰ افغانستانی در بانک زیاد باقی مانده است و مجبوریم که برای مشتریانی که برای دریافت معاش می آیند یا حواله دارند، پرداخت کنیم. تا فعلا پنج میلیون پول ۱۰ و ۲۰ به هرات پول های جدید توزیع شده است. اگر به بانک هایی که در هرات فعالیت دارند، تقسیم کنیم، دولک هم نمی رسد؛ چون به مقداری که نیاز بود، به بانکها پول نرسید.» او اما تایید کرد که بانکها در هرات پول خرد را از مردم نمی گیرند. این کارمند بانک گفت: «بله، پول های ۱۰ و ۲۰ را فعلا از مشتریان نمی گیریم؛ چون همین دستور است. حتا از شش ماه به این طرف کسانی که پول برق را تحویل می کنند، ما پول میده نمی گیریم؛ چون چیزی است که به ما دستور داده شده است.»

گفتنی است که به گفته کسبه کاران، اگر به این معضل رسیده گی نشود، شهروندان شاهد توقف معاملات در هرات خواهند بود. بازارهای هرات در حالی با کمبود و فرسوده گی پول خرد مواجه می شوند که پیش از این، شماری از باشندگان سایر ولایات نیز از این بابت شکایت کرده اند. این معضل در حالی شکل می گیرد که طالبان سال گذشته از چاپ پول جدید خیر داده بودند. با این حال، جزئیات دقیق و زمان توزیع آن به کسبه کاران مشخص نشده است.

افزایش پول مندرس در بازارهای هرات و به دنبال آن حذف بانک نوت ۱۰ و ۲۰ افغانستانی از معاملات روزانه، نگرانی شهروندان به خصوص کسبه کاران در هرات را برانگیخته است. کسبه کاران در هرات می گویند که حذف اسعار ۱۰ و ۲۰ افغانستانی از معاملات روزانه سبب کندی کاروبار آن ها شده و چرخه معاملاتشان را متوقف کرده است. آنان می گویند که در معاملات روزانه از مشتریان خود پول خرد گرفته اند، اما صرافان و بانکها از آنان این پول را نمی گیرند. به گفته آنان، صرافی ها فقط با مقداری پایین از ارزش حقیقی، گاه پول خرد آنان را قبول می کنند، اما بانکها در این ولایت از پنج تا شش ماه به این سو پول خرد آنان را نمی پذیرند.

ایوب، یکی کسبه کاران در هرات است که در ساحه اسپین ادی فروشگاه مواد خوراکی دارد. او می گوید که دوباره پول های مندرس درد سر بزرگ برای آنان شده است. به گفته او، از سوی دیگر بانک نوت های ۱۰ و ۲۰ افغانستانی از معاملات در بازارهای هرات حذف شده و درد سر دکان داران را بیشتر کرده است. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح می گوید: «کار و کاسبی ما را به هم زد این پول های کهنه و میده. همین حالا دخل ما را نگاه کنی، دو سه لک پول میده و کهنه است. وقتی ما از مشتری پول می گیریم، دوباره همین پول را صرف و بانک از پیش ما نمی گیره و ما هم مجبوریم که دیگر پول میده و کهنه را از مشتری نگیریم. این سبب ایستاد شدن معاملات روزانه ما می شود، به خاطر این که مشتری ما زیادتر فردی است.»

این کسبه کار می گوید که بانکها از آنان بانک نوت های ۱۰ و ۲۰ افغانستانی را نمی گیرند. آنان نیز با عذر و زاری این پول را نزد صراف با تاوان تبادل می کنند. این در حالی است که به گفته وی، جنس قیمت ثابت دارد و آنان میان پرداخت پول خرد و بزرگ تفاوتی قایل نشده اند. ایوب می افزاید که بانک از آنان تنها بانک نوت های ۵۰۰ و یک هزار افغانستانی را برمی دارند و آن هم از معادل هر یک هزار دالر در صورتی که ۱۰۰ و ۵۰ باشد، دو هزار افغانی و اگر ۱۰ و ۲۰ باشد، ۱۰ هزار افغانی سود می گیرند.

شماری از باشندگان، بانکها در هرات را عامل این معضل می دانند. فهیم یکی دیگر از باشندگان هرات است. او می گوید که مشکلات افزایش پول های مندرس و حذف بانک نوت های ۱۰ و ۲۰ افغانستانی از معاملات روزمره در بازارهای هرات از سوی بانکها

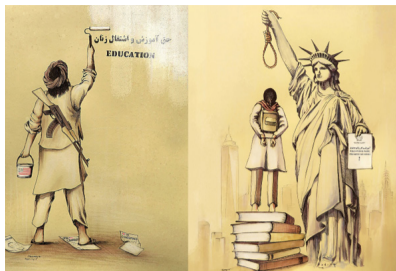
ستیز با آموزش غیرمدرسه‌ای...

گزارش‌هایی که در مورد او در این دو سال نشر شده، حکایت از تغییر چندانی ندارد و او را همچنان فرد تندرو و مخالف تعلیم و کار زنان و حقوق اقلیت‌ها معرفی می‌کند.



عکس: شیخ خالد حنفی متولد نورستان است. او علیه آموزش غیرمدرسه‌ای بارها موضع تند گرفته و در شورای رهبری طالبان نیز در حلقه مخالفان بازگشایی مکتب‌های دخترانه است. او خود در نوجوانی تا صنف دوازدهم درس خوانده، اما اکنون از تربیون وزارت امر به معروف و نهی از منکر، اعلام می‌کند که «تعلیمات عصری مباح است» و امیر می‌تواند آن‌ها را منع قرار دهد.

چهارمین فرد در آن حلقه پرنفوذ ضدتعلیم طالبان، شیخ محمد خالد حنفی است. او متولد سال ۱۳۵۰ در نورستان و نسبت به ملاحبت‌الله، حکیم حقانی و نورمحمد ثاقب جوان‌تر است. از او پارسال چندین بار



حذف و فرهنگ «ناب اسلامی» را حاکم خواهند کرد. آن سفر در ماه اسد سال گذشته انجام شده بود و چهار ماه از اعلامیه فاجعه‌بار طالبان در مورد مسدود شدن مکتب‌ها و دانشگاه‌ها به‌روی دختران می‌گذشت و هنوز اعتراضات در برابر آن فرمان ضدبشری گرم بود. در آن ماه‌ها زمزمه‌هایی از درون طالبان در برابر فرمان‌های تندروانه ملاحبت‌الله و تلاش او برای انحصار قدرت به‌گوش می‌رسید. از جمله ملا یعقوب و سراج‌الدین حقانی غیرمستقیم از رهبر گروه انتقاد کردند. کسانی اما علیه آن ناراضی‌هایی درون گروهی ایستادند. خالد حنفی در آن ماه‌ها به‌عنوان یکی از مبلغان سرسخت اطاعت بی‌چون و چرا از ملاحبت‌الله و در واقع مدافع سیاست ضدتعلیمی آن گروه شهرت یافت. او در آن سفر اعلام کرده بود که اطاعت از رهبر طالبان «وجیبه ملی» همه است. در مورد دیگر، حنفی آموزش عصری را مباح خوانده و علیه کسانی که آن را فرض عنوان می‌کنند، جبهه گرفت. او گفته بود: «هر جا که برویم حرف از تعلیم زده می‌شود... تعلیم عصری یک عمل مباح است!» مباح یعنی امر خنثا که انجام دادنش نه گناهی و نه ثوابی در پی داشته باشد. به‌زعم شیخ حنفی، امیر طالبان می‌تواند امر مباح را حرام اعلام کند و منع قرار دهد. او گفته بود: «وقتی که بین مباح و امر امیر تعارض بیاید، باز حکم امیر واجب است.»

افراد تندرو دیگری نیز در این حلقه هستند که مبارزه با تعلیمات غیرمدرسه‌ای و حذف فرهنگ غیرطالبانی را ماموریت اصلی «امارت» می‌دانند. مولوی ندا محمد ندیم، وزیر تحصیلات عالی طالبان، نیز از مخالفان پرنفوذ و آشکار تعلیمات عصری است. اما نفوذ آن سه

تن معروف را بر ملاحبت‌الله و نیز بر مقام‌ها و قوماندانان میان‌رتبه و صفوف آن گروه در توجیه مذهبی محدودیت‌ها بسیار برجسته می‌خوانند. در آن میان، عبدالحکیم حقانی، قاضی القضاات طالبان، نظریه‌پرداز اصلی این جریان خوانده می‌شود. او با توجه به روابط و نفوذ وسیعش در پاکستان و افغانستان و نیز سابقه طولانی حضور در شورای رهبری آن گروه خود را از میراث‌داران اصلی طالبان می‌داند و در برابر حریفان داخلی با سرسختی بیشتر می‌ایستد. در تلاشی که برای نزدیکی مواضع غرب و طالبان در ماه‌های اخیر راه افتاد، و در امتداد آن اجلاس دوحه و اسلام‌آباد برگزار شد و بعد نخست‌وزیر قطر به قندهار سفر کرد، و مدتی پس از آن مولوی عبدالکبیر به سرپرستی ریاست‌الوزرا نصب شد، عبدالحکیم حقانی از جمله کسانی بوده است که بر حفظ موضع «امارت» در زمینه حقوق زنان و تعلیم تاکید داشته است.

اختلافات بر سر تقسیم قدرت و این که چه کسی رییس‌الوزرا باشد، غربی‌ها به کدام آدرس مراجعه کنند و اداره مالیات و محصولات گمرکی در اختیار کی‌ها باشد، بر دسته‌بندی‌های درون گروهی طالبان و تصمیم قندهار به بستن مکتب‌ها یا شرایط گشودن آن‌ها اثرگذار است؛ اما از این واقعیت نمی‌توان چشم پوشید که مخالفت با تعلیمات غیرمدرسه‌ای بخشی از هویت طالبان و بسیار ریشه‌دارتر از آن است که به چند شخص معدود نسبت داده شود. عقب‌نشینی آن گروه در برابر فشارهای دیپلماتیک و اعتراضات مدنی به‌خاطر گشودن مکتب‌ها عملی به‌نظر نمی‌آید. از این‌رو، فعلاً همان‌طوری که منابع خارجی هشدار می‌دهند، احتمال اقدامات تهاجمی‌تر علیه تعلیم و تحصیل زنان وجود دارد. با گروهی که به گفت‌وگو، مذاکره و رای مردم ارزش قایل نیست و تنها صدای توپ و تفنگ را جدی می‌گیرد، چه می‌توان کرد؟ چند ماه و سال دیگر هزاران صنف در مکتب‌ها و دانشگاه‌ها بسته خواهند ماند؟

عوارض جانبی خبررسانی؛

چگونه داعش از رسانه‌ها سود تبلیغاتی می‌برد؟

مزدک پارسی

داعش خراسان این روزها دوباره در سرخط خبرها جا گرفته است. هر روز خبر تازه‌ای از این گروه می‌رسد. یک روز از دست‌داشتن داعش در یک حمله تروریستی آگاه می‌شویم و روز دیگر از نگرانی یک مقام خارجی از گسترش فعالیت‌های این گروه. به هر میزانی که دامنه خشونت و ناامنی در افغانستان گسترش می‌یابد، نام داعش خراسان بیشتر به گوش می‌رسد. گویی این گروه همه رسانه‌ها را تسخیر کرده است. زمانی گروه طالبان به‌تنهایی در صدر خبرهای خشونت و ترور بود؛ اما حالا داعش نیز در کنار طالبان بخشی از خبرهای رسانه‌ها را به خود اختصاص داده است. برای رسانه‌ها اما فرقی نمی‌کند که داعش بیشتر بر توسن خشونت و تروریسم سوار است یا طالبان. تروریست‌ها کارشان خشونت و کشتار است و رسانه‌ها نیز ناگزیر به اطلاع‌رسانی آن.

حتا گاهی رسانه‌ها بیش از توقع و انتظار گروه‌های تروریستی به سود آن‌ها کار می‌کنند. رسانه‌ها گاهی با تکیه بر منابع نامعلوم و مبهم - که کمتر کسی تا کنون پرسیده است این منابع کیستند و چقدر درست و صادقانه اطلاعات را در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهند؟ - دست به نشر خبرهایی می‌زنند که صحت و سقم آن‌ها به‌درستی روشن نیست، و حتا بعضی از این خبرها جعلی است و خبرنگاران محلی برای این که پولی به جیب بزنند، رویداد کوچکی را بزرگ جلوه می‌دهند. مثلاً یک خبرنگار محلی از جایی می‌شوند که هزاران تروریست داعشی در فلان ولسوالی در حال جابه‌جاشدن هستند. خبرنگار چون خودش این تروریست‌ها را ندیده است، به سراغ منابع محلی می‌رود. این منابع نیز با اتکا بر شایعاتی که بیشتر دروغ است تا واقعیت، آوازه‌های پخش شده در سطح شهر را تایید می‌کنند و خبرنگار هم که بیشتر دنبال این گونه خبرها می‌گردد، از آن خبر ساخته و به رسانه مورد

نظرش می‌فرستد. رسانه نیز با اتکا بر این که خبرنگار محلی کارش را به‌خوبی بلد است، خبر یا گزارش فرستاده شده را نشر می‌کند.

گاهی گرایش سیاسی خبرنگاران نیز می‌تواند رسانه‌ها را به بیراهه ببرد. خبرنگاران بعضی مواقع بیش از حد سلیقه‌های سیاسی را در خبررسانی دخیل می‌سازند و به این ترتیب، آنچه ساخته می‌شود آمیزه‌ای از واقعیت و دروغ است؛ به‌گونه‌ای که عنصر دروغ رنگ بیشتری می‌گیرد و مرز میان واقعیت و شایعه از میان می‌رود. دلیل این که چرا خبرنگار دست به چنین کاری می‌زند، کینه و عداوتی است که نسبت به طالبان دارد و این خشم و کینه وقتی بر او غلبه کند، از آوازه‌های شهر و بازار نیز خبری می‌سازد و برای نشر می‌فرستد. این کار به‌حدی هوشمندانه انجام می‌شود که تشخیص نادرستی آن گاهی خیلی دشوار و حتا ناممکن می‌گردد.

رسانه‌ها با نشر این گونه خبرها گویا به وظایف‌شان عمل می‌کنند، پس بی‌خیال پیامدهای بد این گونه اطلاع‌رسانی. اصلاً رسانه‌ها در نشر خبرها «بی‌طرفانه» عمل می‌کنند نه خیراندیشانه. اگر خیراندیشی ملاک کار باشد، رسانه‌ها باید تنها خبر خوب را پوشش دهند و کاری به خبرهای بد نداشته باشند. به این ترتیب، رسانه‌ها کاری را می‌کنند که رسانه‌های دولتی در حال انجام آن هستند. نتیجه این گونه اطلاع‌رسانی تنها حاکمان و اربابان قدرت را راضی می‌کند. از سوی دیگر، رسانه‌ها نهادهایی نیستند که تنها به آسیب‌شناسی رویدادها بپردازند؛ دست‌کم در خبررسانی رعایت این مورد ممکن نیست.

پس اطلاع‌رسانی هم عوارض جانبی دارد. یک جنبه‌اش آگاهی‌دهی است و جنبه دیگر آن نوعی تبلیغات مجانی برای تروریسم از راه خبررسانی بی‌حدوصر و بیشتر مواقع مبالغه‌آمیز در مورد گروه‌های تروریستی. نشر بیش از حد خبرهای مرتبط به داعش به تنهایی

کافیست نشان دهیم که رسانه‌ها چقدر می‌توانند ناخواسته این گروه را در افکار عامه ذهنیت‌سازی کنند. حتا رسانه‌هایی که مدافع ارزش‌های لیبرال هستند، در دام تبلیغات ناخواسته برای داعش می‌افتند و ظاهراً چاره‌ای هم ندارند. اگر تحلیل‌بازی‌های نوع افغانی را هم به آن اضافه کنیم، فاجعه‌بار خواهد شد. کارکرد معمول و پذیرفته‌شده رسانه‌ها طوری است که جلوگیری از تبلیغات ناخواسته دشوار و گاهی ناممکن می‌شود. مردم تشنه خبرند و رسانه‌ها نیز باید آن را کاملاً بی‌عیب‌وایراد ارائه کنند. نیرویی برنده میدان سیاست خواهد شد که صنعت خبر را به تسخیر خود درآورد. این تسخیرشده‌گی گاهی رسانه‌ها را چنان مست و بی‌خود می‌کند که نمی‌دانند چگونه از گاه کوه ساخته و به خورد مردم می‌دهند. گویا رسانه‌ها برای کسب اعتبار بیشتر در صنعت خبر، دست به هر کاری می‌زنند. رسانه‌ها تشنه دیده‌شدن، لایک و اشتراک‌گذاری‌اند.

هر قدر بیشتر در خبررسانی سرعت به خرج دهید و زودتر اطلاعات را به مخاطب شیفته خبر تازه برسانید، لایک و اشتراک‌گذاری بیشتری نصیب‌تان می‌شود و به این ترتیب، گوی سبقت را از بقیه می‌ربایید. رسانه‌ها سلاته پول هنگفتی را به این کار اختصاص می‌دهند تا در رقابت خبررسانی از بقیه پیشی بگیرند و یا حداقل پس نمانند. خبررسانی براساس منطق خودش کار می‌کند؛ اما این عملکرد مثل هر کار دیگر پیامدهایی برای مردم دارد. اطلاع‌رسانی از جنبه‌های تاریک و ترسناک نیز برخوردار است که کمتر به آن توجه می‌شود. خبرهای بد آرامش را از شما می‌گیرند و نسبت به همه چیز بدبین‌تان می‌سازند. به‌ویژه اگر با رسانه‌های غیرمسلمکی و زرد مواجه باشیم، خبررسانی شتاب‌زده، نادقیق، غیرمعیاری، گمراه‌کننده و حتا ترسناک آن وسواس و اضطراب زیادی ایجاد می‌کند و نتیجه‌اش این می‌شود که شما از جامعه‌ای که در آن هستید برترسید.



در یک جامعه جنگ‌زده درگیر فاجعه و فساد که همه چیز به گند کشیده شده است، نشر خبرهای بد بیشتر از خبرهای خوب است. در چنین جامعه‌ای ترس جاگزین امید می‌شود. رسانه‌ها نیز در چنین جامعه‌ای با خبررسانی، گزارش‌دهی و تحلیل رویدادها بیشتر مواقع ترس را بازتولید کرده و ناخواسته آب به آسیاب تروریسم می‌ریزند.

داعش خراسان که بیشتر از هر گروه تروریستی به نقش و اهمیت رسانه‌ها در زنده‌گی امروز پی برده و هنر بازی‌های تبلیغاتی را به‌مراتب بهتر از طالبان می‌داند، تا حد امکان از رسانه‌ها برای تولید ارباب و وحشت در میان مردم استفاده می‌کند؛ از نشر ویدیوهای سربریدن افراد گرفته تا نمایش کشتار مخالفان به شیوه‌های جدید، اما فبیج و هولناک‌تر از روش‌های کشتاری که در گذشته دیده شده است.

داعش می‌داند که چگونه از سیاست ترس در برابر مردم و دیگر گروه‌های تروریستی مخالفش بهره‌برد و از چه راه‌هایی این کار را انجام دهد. یکی از ابزارهایی که داعش مدام از آن بهره‌برداری می‌کند، رسانه است. حتا نشر یک خبر ساده از گردن‌زدن افراد توسط داعش می‌تواند مرگبارتر از هر جنگ‌افزار دیگری عمل کند. مهم‌ترین کارکرد سیاست ترس، تخریب روانی انسان‌هاست که منجر به شکستن مقاومت و پایداری آنان می‌شود.



ایگا سویاتک برای دومین سال پی در پی قهرمان اوپن فرانسه در بخش زنان شد

ایگا سویاتک، زن شماره یک تنس جهان، پس از پیروزی در برابر کارولینا موجوا، قهرمان رولان گاروس در بخش زنان شد. دیدار نهایی میان این دو تنس باز شنبه شب، ۱۰ جون، برگزار شد که در نتیجه سویاتک در سه ست با نتیجه ۲ بر ۱ موجوا را شکست داد. در این دیدار ایگا سویاتک در ست نخست با نتیجه ۶ بر ۲ پیروز شد، اما در ست دوم با نتیجه ۵ بر ۷ مغلوب کارولینا موجوا شد. در ست سوم سویاتک دوباره بازی را در دست گرفت و ۶ بر ۴ پیروز شد. این تنس باز پولندی با این پیروزی برای سومین بار قهرمان اوپن فرانسه شد. سوتایگ سال گذشته نیز به قهرمانی در این رقابت ها دست یافته بود. قرار است روز یکشنبه، ۱۱ جون، دیدار نهایی در بخش مردان برگزار شود که در آن بازی نواک جوکوویچ در برابر کاسپر رود میدان می رود.



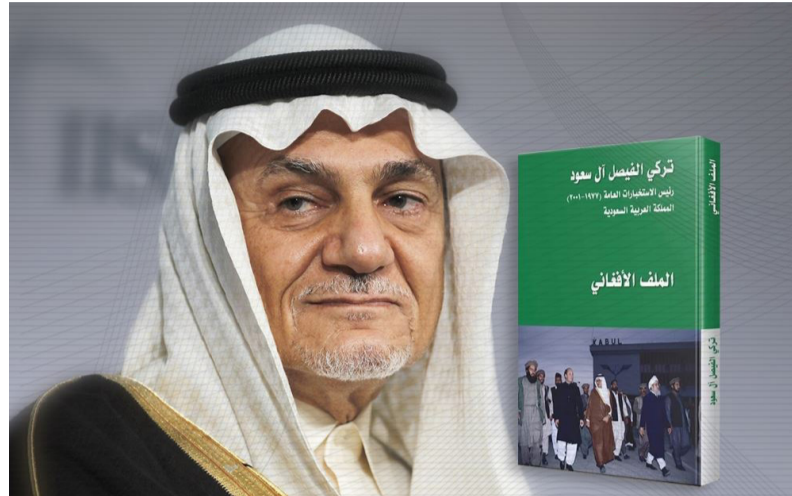
تیم فوتبال افغانستان در برابر قرغیزستان شکست خورد

تیم فوتبال افغانستان در اولین دیدار در رقابت های جام ملت های مرکز آسیا، یک بر صفر مغلوب تیم ملی فوتبال قرغیزستان شد. این دیدار شنبه شب، ۲۰ جوزا، به میزبانی قرغیزستان برگزار شده بود. نیمه نخست این دیدار با نتیجه مساوی صفر بر صفر پایان یافت، اما در نیمه دوم بازی سرخ پوشان قرغیزستان دروازه افغانستان را باز کرد و پیروز این دیدار شد. رقابت های فوتبال مرکز آسیا با حضور هفت تیم، سر امروز شروع شده، تا ده روز دیگر ادامه خواهد داشت. تیم ملی فوتبال کشور در این رقابت ها با تیم های ایران و قرغیزستان هم گروه است.



پرونده افغانستان؛

یادداشت های ترکی الفیصل (۱)



ترجمه: مهرا موجد
منبع: asasmedia.com

اشاره: ترکی الفیصل، خردسال ترین پسر ملک فیصل بن عبدالعزیز است. او یکی از شخصیت های شناخته شده عربستان سعودی است که نامش با استخبارات و دیپلماسی گره خورده است. گفته می شود که او نقش اصلی را در سامان دهی سیاست عربستان سعودی در قبال افغانستان در دوران اشغال آن توسط شوروی و چندین سال پس از آن برعهده داشت. همچنین جدوجهد او در سال های تجاوز شوروی برای میانجی گری میان گروه های مختلف مجاهدین نقل هر مجلس بود. او با رهبران مجاهدین از نزدیک آشنایی داشت و با بعضی از آن ها روابط شخصی و نزدیک برقرار کرده بود.

ترکی الفیصل، رییس پیشین سازمان استخبارات عربستان سعودی که از ۱۹۷۷ تا ۲۰۰۱ عهده دار این منصب بود، تقریباً همزمان با قدرت گیری دوباره طالبان، کتابی با عنوان «پرونده افغانستان» به زبان انگلیسی و سپس عربی منتشر کرده است. او در این کتاب از کوشش ها و نقش عربستان سعودی در سمت و سودهی حوادث در افغانستان پس از اشغال این کشور توسط ارتش سرخ پرده برداشته است. ما قصد داریم گزیده هایی از این کتاب را برای خواننده گان به فارسی ترجمه کنیم. تا هنوز نسخه کامل کتاب یادشده در دسترس ما قرار ندارد. اینک قسمت اول برگزیده یادداشت های ترکی الفیصل از کتاب «پرونده افغانستان» را با شما در میان می گذاریم:

همیشه خود را ملزم می دانستم همانند پدرم ملک فیصل خبرهای رادیو بی بی سی را رأس ساعت هفت شام بشنوم. پدرم به خبرها از طریق رادیوی مدل Zenith که با باتری کار می کرد، گوش می داد. اول به برنامه عربی رادیو بی بی سی گوش می داد و سپس عناوین خبرهای رادیو صدای آمریکا را می شنید و بعد از آن میان این دو ایستگاه رادیویی در رفت و آمد می بود تا ببیند کدام یک حق مطلب را بهتر ادا می کند. پس از نیم ساعت، سکرترش متن کامل خبرها را در کاغذ چاپ شده در اختیارش می گذاشت.

باری ساعت هفت شام به وقت ریاض، ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹، در حالی که خبرهای سرویس جهانی رادیو بی بی سی را می شنیدم، این خبر را شنیدم که شوروی به افغانستان حمله کرده است. عملیات سه

ساعت قبل از پخش شدن خبر و با تاریک شدن هوا در کابل، شروع شده بود. از نظر اتحاد جماهیر شوروی، این حمله شام عید کریسمس آغاز یافته بود و از این لحاظ زمان مناسب بود؛ چون غربی ها می خواهند در این لحظات خبرهای بد را پنهان نگه دارند. اگر رهبران شوروی در مسکو این گونه محاسبه می کردند، می توان گفت که زمان بندی حمله برای آن ها در بر نداشت.

خبر حمله ارتش سرخ به افغانستان، خبری دلپره آور و نگران کننده بود، اما غیرمنتظره نبود. چندین ماه بود که می شنیدیم شوروی تصمیم مداخله نظامی مستقیم در افغانستان دارد. بامداد زود روز بعدی، ۲۵ دسامبر، به دیدار ملک خالد، جانشین پدرم، و نیز امیر فهد، ولی عهد وقت شتافتم. هر دو دست خوش نگرانی در این مورد بودند که شوروی تا کجا در جنگ افغانستان پیش می رود. از ۱۵۰ [سال] بدین سو، روسیه آرزوی دست یافتن به بندرگاه کشتی در آب های گرم و جای پای در اقیانوس هند یا خلیج یا دریای عرب یا به صورت غیرمستقیم از طریق دریای مدیترانه را در سر می پروراند. علت اصلی شکل گیری بازی بزرگ (رقابت میان بریتانیا و روسیه در افغانستان و آسیای میانه در قرن نوزدهم میلادی)، تمایل و کوشش شوروی برای رخنه کردن در اقیانوس هند و کوشش بریتانیا برای خنثا کردن این تلاش ها بود. اکنون برای ما قضیه این طور به نظر می رسد که گویا روس ها به استراتژی کهنه خود بازگشته اند و با خود می گفتیم آیا پیش روی را از طریق افغانستان به پاکستان ادامه می دهند و در این راستا مشکلاتی را در ایالت های سند و بلوچستان ایجاد می کنند و برای اشغال این دو منطقه جغرافیایی اقدام می کنند یا خیر. این موضوع نگرانی فوری و بزرگی برای ما به وجود آورده بود؛ چون کراچی، پایتخت ایالت سند، فقط سه ساعت از ریاض با هواپیما فاصله داشت. پاکستان تقریباً همسایه ما بود. این کشور دوست صمیمی ما بود و شمار زیادی از پاکستانی ها در عربستان کار می کردند. اگرچه کشور ما در دریای عرب ساحلی نداشت، ولی شبه جزیره عربستان به صورت کل، از سواحل طولانی در این دریا بهره داشت. از این رو برای ما بسیار اهمیت داشت از دولت هایی که در این دریا و در اقیانوس هند حضور و فعالیت نظامی دارند، شناخت داشته باشیم.

امیر فهد پرسید: «دوستان ما در این باره چه می گویند؟» و مقصودش از «دوستان» سازمان های استخباراتی آمریکا، بریتانیا و فرانسه بود. یادم می آید که برایش گفتم که تا هنوز چیزی از آن ها

نشینده ایم، اما پس از دو ساعت وقتی به دفترم در ریاست استخبارات مرکزی بازگشتم، گزارش ها از این سازمان ها شروع به مخابره شدن کرد. همچنان تلگراف هایی از سفارت ما در کابل دریافت کردیم. ناوقت همان روز، جنرال ضیاء الحق تلفنی تماس برقرار کرد و با ملک خالد و ولی عهد حرف زد. این زمانی بود که ارتش سرخ تهاجم همه جانبه را بر افغانستان آغاز کرده بود.

وقتی ماجراهای آن روزها را به یاد می آورم، می توانم بگویم، اقدامی که در ۲۴ ساعت اول در جهت برقراری تماس دوام دار با کشورهایی که در ۹ سال آینده نقش بزرگ و تعیین کننده در جنگ علیه اشغال اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان ایفا می کنند انجام دادیم، موضوعی بسیار بااهمیت بود.

نبرد برای دفاع از اسلام

یک روز پس از تهاجم شوروی به افغانستان، جنرال ضیاء الحق، رییس سازمان استخبارات پاکستان، جنرال اختر عبدالرحمان را نزد خود طلبید و از او خواست گزارشی درباره «ارزیابی وضعیت» بنویسد و در ضمن آن، پیشنهاد های مناسب برای اقدام های ضروری بعدی را مطرح کند. جنرال اختر در ظرف چند روز گزارشش را به ضیاء الحق تقدیم کرد.

آن چه به نگرانی جنرال اختر دامن زده بود، این موضوع بود که اتحاد جماهیر شوروی - که نیرویی الحادی بود- به کشوری مسلمان هجوم آورده بود تا رهبران کمونیستی را که آشکارا منظورشان برپایی نظامی سکولار و از آن بالاتر، کمونیستی در افغانستان بود، تقویت و حمایت کنند. او و جنرال ضیاء الحق از ضعف و فتور دین داری در میان مردم افغانستان تشویشی نداشتند، با آن هم برای جنرال اختر دفاع پاکستان از همسایه مسلمانش واجبی اخلاقی به نظر رسید. نباید خواننده اهمیت تعهد اخلاقی و عاطفی مسلمانان به کمک رساندن به دیگر مسلمانان را دست کم بگیرد؛ چرا که این مساله در سیاست معاصر عنصری نیرومند و تاثیرگذار است. جنرال اختر نگرانی های نظامی هم داشت. او همانند ما به خوبی درک می کرد که اگر شوروی بر افغانستان تسلط یابد- قراین هم نشان می داد که قصد آن سیطره بر قلمرو افغانستان بود- نیروهای شان را در قندهار و هلمند مستقر می کنند؛ دو ولایتی که هم مرز با بلوچستان پاکستان است. بلوچستان ایالتی است که شوروی اگر بر آن تسلط یابد، به دریا دسترسی می یابد. نگرانی دیگر این بود که هرگاه حکومتی کمونیستی در کابل ریشه بگیرد و این حکومت روابطی استوار با حکومت هند برقرار کند، در آن صورت چه عواقبی برای امنیت پاکستان خواهد داشت. هند در آن زمان از روابط قوی و گسترده با شوروی برخوردار بود. برای جنرال اختر این موضوع آشکار بود که در حالت شعله ور شدن جنگ میان هند و پاکستان (پیش از آن هم سه بار این اتفاق افتاده بود) ممکن است پاکستان خود را میان چکش و سندان ببیند و از دو طرف، هند و افغانستان، مورد تهدید واقع شود. حتا در بهترین حالت، ایتلاف هند و افغانستان می توانست از طریق مسلح سازی قبایل در طول مرزهای شمال غربی، بر پاکستان فشار وارد کند. این امر موجب خواهد شد که گرایش های استقلال طلبانه در میان قبایل مرزی از قوه به فعل درآید و به چالشی برای حکومت مرکزی تبدیل شود. از آن جایی که افغانستان هیچ گاه مرز مشترک میان این کشور و پاکستان را که به خط دیورند معروف است به رسمیت نشناخته، ممکن است با برشوراندن قبایل مناطق مرزی خواست خود را مبنی بر الحاق مناطقی در داخل پاکستان و در نزدیک مرزهای شمال غربی به آن کشور با جدیت مطرح کند.

تیم فوتبال منجستر سیتی با شکست یک بر صفر اینتر میلان، قهرمان لیگ قهرمانان فوتبال اروپا شد. دیدار نهایی میان این دو تیم شنبه شب، ۱۰ جون، در ورزشگاه المپیک آتاتورک برگزار شد. نیمه نخست این دیدار بدون گل پایان یافت و کوین دی بروین به دلیل مصدومیت تعویض شد. شاگردان پپ که آمده بودند تا برای اولین بار جام قهرمانی را بالا سر ببرند، در نیمه دوم بازی با گل رودری در دقیقه ۶۸، دروازه اینتر میلان را باز کردند. در سوی دیگر، اینتر که تا حال سه بار قهرمان این رقابتها شده بود، نتوانست که چهارمین قهرمانی اش را جشن بگیرد. با این قهرمانی، پپ گواردیولا به اولین سرمربی در تاریخ منجسترسیتی مبدل می شود که در یک فصل سه گانه فوتبال اروپا را کسب می کند.

بارش باران شدید در پاکستان ۲۵ کشته و ۱۴۵ زخمی برجای گذاشت



سازمان امداد و نجات پاکستان اعلام کرد که در پی ریزش بارانهای شدید در این کشور، دست کم ۲۵ تن جان باخته و ۱۴۵ تن دیگر زخمی شده اند. روزنامه دان به نقل از اعلامیه سازمان امداد و نجات پاکستان گزارش داده است که این افراد در پی بارش باران سیل آسا روز شنبه، ۱۰ جون، در مناطق بنو، کرک و لکی مروت ایالات خیبرپشتونخوا آن کشور کشته و زخمی شده اند. در میان قربانیان این حادثه طبیعی، زنان و کودکان نیز شاملند. فروریختن سقف و دیوارها عامل بیشتر تلفات این حادثه طبیعی عنوان شده است. سازمان امداد و نجات پاکستان تاکید کرد که عملیات نجات در هر سه منطقه جریان دارد. گفتنی است که اداره هواشناسی پاکستان پیش بینی کرده که در ۲۴ ساعت آینده خیبرپشتونخوا گواه بارانهای بیشتری خواهد بود.

فرانسه از ایران خواست که به حمایت نظامی اش از حمله روسیه به اوکراین پایان دهد



امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه از ابراهیم ریسی، رئیس جمهور ایران خواستار «توقف فوری» حمایت نظامی تهران از جنگ روسیه در اوکراین شده است. برنیاد گزارش دفتر ریاست جمهوری فرانسه، مکرون و ریسی روز شنبه، ۱۰ جون، از طریق تماس تلفنی گفت و گو کرده اند. مکرون در این تماس تلفنی به ریسی گفته است که پهپادهای ایرانی مورد استفاده روسیه «تبعات جدی امنیتی و انسانی» دارند. او تاکید کرده است که تهران باید به گونه «فوری» به حمایتی که از جنگ «تجاوزکارانه روسیه در اوکراین می کند پایان دهد». با این حال، دفتر ریاست جمهوری ایران در اعلامیه ای درباره این تماس تلفنی گفته است که مکرون «جمهوری اسلامی ایران را بخشی از راه حل بحران اوکراین دانست و ایفای نقش بیشتر ایران در این زمینه را خواستار شد».

تماس تلفنی رییسان جمهور ایران و فرانسه و گفت و گو درباره جنگ اوکراین یک روز پس از آن صورت گرفته است که کاخ سفید درباره همکاری های نظامی فزاینده ایران و روسیه هشدار داد و اعلام کرد که روسیه در حال ساخت کارخانه ای است تا پهپادهای طراحی ایران را در خاک خود تولید کند.

انفجار در یک کارخانه موشک سازی ترکیه؛ ۵ تن کشته شده است

براساس اطلاعات، شدت این انفجار به حدی قوی بوده که شیشه های فروشگاه های اطراف این مرکز موشک سازی ریخته است. تصاویر نشر شده در شبکه های اجتماعی نشان می دهد که ده ها عراده موتور آتش نشانی و آمبولانس به ساحه اعزام شده اند. این اولین انفجار پس از انتخاب مجدد رجب طیب اردوغان به عنوان رئیس جمهور این کشور است که در انقره رخ می دهد.

رسانه های ترکیه گزارش داده اند که در پی وقوع یک انفجار در یک کارخانه موشک سازی در نزدیکی شهر انقره، پایتخت این کشور، تا کنون ۵ تن از کارمندان این کارخانه جان باخته اند. شبکه تلویزیونی ان تی وی، گزارش داده که این انفجار حوالی ساعت ۹:۰۰ صبح روز شنبه، ۱۰ جون، رخ داده است. وزارت دفاع ترکیه با تایید وقوع انفجار اعلام کرده است که تحقیقات در مورد آن را آغاز کرده است.

نخستین رزمایش دریایی هند، امارات و فرانسه در دریای عمان برگزار شد

وزارت دفاع هند اعلام کرد که ارتش این کشور با نیروهای ارتش فرانسه و امارات متحده عربی اولین رزمایش دریایی سه جانبه شان را در خلیج عمان برگزار کردند. برنیاد اعلامیه وزارت دفاع هند، این رزمایش از تاریخ ۷ تا ۸ جون سال جاری برگزار شده بود. این وزارت تاکید کرده که با برگزاری این رزمایش «نقطه عطفی دیگر در تاریخ رقم خورده است». وزارت دفاع هند اعلام کرد، در جریان اجرای این رزمایش «مجموعه ای از عملیات های دریایی نظیر جنگ در سطح آب با به کارگیری آتش تاکتیکی و مانورهای جایگزینی نیروها در دریا توسط واحدهای شرکت کننده به اجرا گذاشته شد».

در اعلامیه آمده است: «این رزمایش باعث تقویت ارتباطات بین واحدهای نیروهای دریایی و تقویت قابلیت عملیات مشترک با هدف مقابله با تهدیدات سنتی و غیرسنتی در محیط دریایی و تضمین امنیت تجارت و آزادی دریانوردی در آب های دریاهای آزاد در این منطقه شد». گفتنی است که ناو جنگی هندی «تارکاش» با ناو جنگی فرانسوی «سورکوف» که حامل هلی کوپتر هستند، جنگنده های «رافال» فرانسه و هواپیماهای گشت نیروی دریایی امارات متحده عربی در این رزمایش شرکت کرده بودند.



انفجار در سومالیا جان ۲۵ کودک را گرفت

رسانه های سومالیا گزارش داده اند که در پی وقوع انفجار در یک ذخیره گاه مواد منفجرناشده در جنوب این کشور، ۲۷ تن جان باخته و دست کم ۵۳ نفر دیگر زخمی شده اند. خبرگزاری ملی سومالیا (SONNA) گزارش داده است که این انفجار روز جمعه، ۹ جون، در نزدیکی یک میدان بازی کودکان رخ داده است.

منابع گفته اند که ۲۵ تن از کشته شده گان این انفجار کودکان بین ۱۰ تا ۱۵ سال هستند. تا کنون دلیل وقوع این انفجار معلوم نیست. به گفته برخی منابع، مواد منفجرناشده پس از افزایش حملات گروه الشباب در این مکان ذخیره شده بود. گفتنی است که گروه جهادی الشباب سال ۲۰۰۴، در سومالیا تاسیس شد. گروه الشباب، پس رانده شدن از موگادیشو، پایتخت سومالیا در سال ۲۰۱۱، از رویارویی با نظامیان این کشور دست کشیده و در عوض به حملات انتحاری و انفجار در اماکن عمومی افزوده اند. تعداد کل شبه نظامیان الشباب حدود ۱۰ هزار نفر تخمین زده شده است.

آفریقای جنوبی و چین درباره ابتکارات برای پایان جنگ اوکراین گفت و گو کردند



در اعلامیه آمده است که رییس جمهور آفریقای جنوبی

سیریل رامافوزا، رئیس جمهور آفریقای جنوبی و شی جین پینگ، رهبر چین درباره ابتکارات برای پایان دادن به جنگ اوکراین تلفنی گفت و گو کردند. خبرگزاری تاس روز شنبه، ۱۰ جون، به نقل از اعلامیه ریاست جمهوری آفریقای جنوبی، گزارش داده که قرار است رهبران این دو کشور در آینده نزدیک، به روسیه و اوکراین سفر کنند. رهبران دو کشور همچنان به همکاری شان در سازمان بریکس که برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی را شامل می شود، در این گفت و گو اشاره کرده اند.

پاکستان: هیچ مانعی برای توافق با صندوق بین المللی پول باقی نمانده است

دولت پاکستان به رهبری شریف برای دریافت وام است که بارها مذاکره بر سر آن به نتیجه ای نرسید. شهباز شریف همچنان در تماس تلفنی با کریستالینا جورجیوا، مدیر عامل صندوق بین المللی پول، از وی خواستار توافق شفاهی این نهاد در مورد وام به کشورش شده است. وی خاطر نشان کرده است که جاری شدن سیلاب سال گذشته، بیش از ۳۰ میلیارد دلار به اقتصاد پاکستان آسیب رسانده است. نخست وزیر پاکستان در حالی از اجرایی شدن شروط صندوق بین المللی پول خبر می دهد که این کشور در کنار چالش های سیاسی با مشکلات بی پیشینه اقتصادی دست و پنجه نرم می کند.

به گفته وی، از آزادسازی کمک های مالی بیشتر به پاکستان سیل زده اطمینان حاصل شود. وی خاطر نشان کرده است: «همه شروط صندوق بین المللی پول به طور کامل اجرا شده، اما توافقنامه در سطح کارکنان هنوز امضاء نشده است. پس از انجام تمامی شرایط، نهیم بررسی صندوق بین المللی پول در ماه جاری به پایان می رسد و تایید آن از هیات مدیره گرفته می شود.» توافق صندوق بین المللی پول یکی از چالش های اساسی

شهباز شریف، نخست وزیر پاکستان، گفته است که کشورش همه شروط وام دهنده گان جهانی را پذیرفته و هیچ مانعی در خصوص عملی شدن توافق دریافت وام باقی نمانده است. اکسپرس تریبون، جمعه شب، ۹ جون، گزارش داده که نخست وزیر پاکستان این مطلب را در نشست کابینه بیان کرده است. شهباز شریف، در سخنرانی اش گفته است که بودجه این کشور باید رضایت صندوق بین المللی پول را برآورده کند تا